

درود به زمینه گان راستین حزب توده ایران
ننگ بیر رهبران خائن و فراری حزب توده »



اعدام انقلابی

عباس شهریاری، مرد هزار چهره
بزرگترین جاسوس و مشاور عالی سازمان امنیت ایران
بوسیله
سازمان چریک های فدایی خلق

۶

پاسخ به پیام بقایای رهبران حزب توده

رفیق شهید خسرو روزبه

از اعضای فدایکار و مبارز حزب توده ایران که
علیغم توصیه رهبران فرصت طلب و فاسد حزب
توده هرگز حاضر به توك سنگر مبارزه در ایران
نشد و در کنار توده ایهای صادق بمبارزه ادامه
داد. روزبه دلیر در سال ۳۲ توسط رژیم مزدگار
شاه اعدام گردید، خاطره اش جاویدان باد.

هم میهنان :

در ساعت ۲ و ۴۰ دقیقه بامداد روز
چهار شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۳ عبا س
شهریاری (عباسغلی شهریاری نژاد) معروف
به آقای اسلامی "مرد هزار چهره" که بزرگتر
ین و معروفترین جاسوس سازمان امنیت از آغاز
ناسیان آن تا کنون بود بوسیله‌ی یک واحد دار
رژیم‌گان "سازمان چریک‌های فدای خلق"
تیرباران شد .

دولت مزدور شاه هیچگونه خبری در مطبوعات
وراد یو و تلویزیون در این باره منتشر نکرد -
 فقط درستون "مجا لس ترھیم" روزنامه
کیهان تاریخ ۱۲ / ۱۲ / ۱۳۵۳ یک‌آگهی
مجلس ختم از سوی خانواده‌ی شهریاری نژاد
بچاپ رسید و در چند سطر بشکل مبهم مرگ
این جاسوس‌بلید را به اطلاع آشنا یانه رسانید

چگونه او را در جلو مخفیگاهس تیر باران کردیم ؟

آوردیم بود : زمانی در سفارت ایران در کویت
زمانی در دفتر روزنامه "الطبیعه"
زمانی در شرکت کشتیرانی "آریا" در آبادان
و بالاخره زمانی در مخفیگاه هنر، در تهران، -
تحقیق او کار ساده ای نبود زیرا او در هر کجا که
موقعیت را مشکوک می بافت، برق آسا میگریخت
و هر گونه رد پائی را از پشت سر خود پا ک -
میکرد. او به هوشیاری و زرنگ خود خیلی
طمینان داشت، ولی از فکرت پیگیری و کوشش
مفهومه ما بین خبر بود. سرانجام با تلاش
پیگیر چند واحد شناسائی و اطلاعاتی سازمان
ما مخفیگاه او را در خیابان پر جم تهران، در
جیدان کدی کشف شد. او معمولاً با تغییر -
قیافه و تیپ و با لباس های مختلف از مخفیگاه خود
خارج میشد، با کنترل اطراف و پشت سر خود
هر روز مسیر های مختلفی را من پیمود و سپس از

(۳)

عباس شهریاری یکجا سوسن زیر دست -
سازمان امنیت شاه خائن و سازمان جاسوسی
آمریکا (سیا) بود که در یک دهه اخیر -
ضریبهای بزرگی به نیروهای انقلابی وطن ما
وارد ساخت و در جنبشهای انقلابی کشورهای
عرب همچو ایران نیز، به جا سو سیه با خرا -
بکارهای زیادی پرداخت. سازمان ما که از
اهمیت فعالیت های ضد انقلاب و جنایات این
جاسوس کثیف پلیس سیاس ایران با خبر بود
از مدت های پیش اورا محاکمه و به اعدام محکوم -
کردیم بود. اما رد پای مشخص از اورد دست
نداشت. از آنجا که این جاسوسی شم خیلی
کار کشته و هشیار بود، کثیر رد پائی از خود
بر جای میگذاشت. سازمان ما در زمانها
مختلف در چند جا نشانه ای از او بدست

(۲)

نظر نایدید میکردید، سازمان ما پس از انجام
شناشی های عده و کشف مخفیگاه او با جرای
حکم اعدام را به یک از واحد ها واکذار کرد
درین از روزهاییکه او طبق معمول با عصائی
که در دست داشت، از مخفیگاه خارج میشد
رفقا در مسیر او کمین کردند . مزدور با هوشیا
ری فوق العاده ای که داشت . بمحاسبه یکه -
چشمیں به رفقا افتاد مشکوک شد و بلا فاصله عکس
العمل نشان داد : با وحشت بسیار در حالیکه
روزه میکشید شروع به دویدن کرد ، اما رگبار -
مسلسل امانش نداد . ده گلوله مسلسل او
را نتشزمهین کرد ، سپس رفیق مامور تیر خلاص
با شلیک سه گلوله به مغز او پایان مراسم اعدام
را اعلام داشت .

بلا فاصله رفقا به جستجوی جیبهای اوردا -
خند و چند سند ، در حدود ۲۰۰ دلار

(۴)

آمریکائی و در حدود ۴۰۰۰ تومان پول ایرانی
در جیبهای او یافتند . پولها به نفع خلق -
مصادره گردید و استناد به منظور بررس و نگهداری
ضبط شد . بعلوه عصای معروف او که آشنا یانش
به نادرست معتقد بودند مسلسلی در درون آن -
پنهان است مصادره گردید . پس از انجام این
عملیات رفقا به پخ اعلامیه تو غیضیخ پرداخته و با
دادن شعار مرگ بر شاه ، نابود باد سازمان
امنیت در حالیکه با کوکتل مولوتوف در شترخود سد
ضد تعقیب ایجاد نمیمودند صحنه را ترک کردند

نامگذاری عملیات

این عملیات به نام رفیق شهید " خسرو روز به "
انقلابی بر جسته و کمونیست صادقی که همواره مورد
ارجشناسی خلق ما بوده و خواهد بود عملیات
رفیق خسرو روزیه " نامگذاری گردید .

(۵)

روز به از قهرمانان جنبش رهائی بخش وطن ماست
 او یکی از عناصر صادق حزب توده بود که با
 صداقت تمام در راه رهائی خلق زحمتکش —
 ما مبارزه کرد و هنگامیکه رهبران حزب توده
 راه فرار را در پیش گرفتند، او در ایران ماند
 و به مبارزه خود ادامه داد این انقلابین
 بر جسته و این کمونیست صدیق در زمانیکه —
 رهبری فاسد حزب توده، جنبش انقلابین وطن
 ما را به کمیج راه میبرد، یک پر اتیسین فعال —
 انقلاب بود که تحت رهبری استراتژیک حزب توده
 قرار داشت ولی از آنها که خود هیچگاه در صدد
 رهبری استراتژیک جنبش بر نیامد، شکست استراتژیک
 حزب توده دامان او را هم گرفت و نه تنها —
 جنبش تارو مارشد بلکه یاسو بد بین از —
 سوئی و بد آموزی های حزب توده —

(۶)

از سوئی دیگر تولد مجد د جنبش خلق را
 سالها ای زیادی به تعویق انداخت .
 جنبش شکست خورد وضعف و خیانته
 حزب توده افشا گردید، اما نام خسرو روز
 به و هزاران انقلابین صدیق توده ائم در بـ
 صفحات تاریخ وطن ما جاویدان شد .
 ما از این روی نام خسرو روز به را بر روی این
 عملیات گذاشتیم که از عناصر صادق حزب توده
 تجلیل کیم و اعلام داریم که برای خون —
 خواهی آنها قلب جاسوسان پلید را از
 هم میشکافیم و اپورتونیست های جاسوس
 پرور را افشا میکیم .
 اعدام عباس شهریاری فقط پایان ساده زندگی
 یک جاسوس پلید وزیر دست نبود، بلکه از شوـ
 باطل کننده افسانه قد رقد رسی سازمان امنیت بود
 آست
 که ورد زیان بزد لان ترسوویں عملان خانه نشین

شرح زندگی و جنایت

عباس شهریاری

۱- مرد هزار چهره بزرگترین خدمت کوارشاه

عباس شهریاری، این جاسوس چیزه دست سازمان امنیت و سازمان جاسوس (سیا) یک از - بزرگترین خدمتکاران ارتقای و امپریالیسم در ایران و کشورهای عربی همچو را ایران بود . او سخت مورد ترجمه شاه و رئیم کثیف او قرارداد است و سازمان امنیت از زندگی‌س با بدقت مراقبت میکرد . در ذکر اهمیت او برای رئیم واحترامی که برایش قائل بود ند کافی است که به ماجرای ثبت نام دختر او در ریا نشکده بفت آبادان اشاره کنیم در سال ۵۱ با اینکه این داشکده اعلام کرد بود که هیچ دختری را در آن سال در داشکده نمی‌بیند بود، با این حال دختر

وازسوی دیگر فرمان ایستاد بود به اپورتونیست

- های خیانت پیشه که حزب طبقه کارگر ایران و سازمان رهبری کنند خلق را به رنجبری برای به بند کشیدن نیروهای انقلابی و لانه ای برای پرورش جاسوسان دشمن تبدیل کرد . بودند

تود « ائی بود نش در آباد ان معروف بود » اکنون
 بخاطر جاسوسی بود نش معروف نترشد، بطوریکه
 کتر کس در این شهر یافت میشود که نام او را
 بعنوان بزرگترین جاسوس سازمان امنیت نشناشد
 عبا شهرباری در حد و د سال از طریق
 تشکیلات تهران، تشکیلات جنوب، تشکیلات
 آذربایجان حزب تود «، تقریباً برابر تمام فعالیت
 های گروهها و سازمانهای انقلابی وطن ماکتول
 داشته علاوه بر این او با سالها جاسوسی در کشور
 های عرب جوار ایران، فعالیت انقلابیون منطقه
 رانیز شناسائی میکرد و عملیات جاسوسی سپار
 منطقه را مورد راهنمائی قرار میدارد . بدین
 مطالعه بیشتر در زندگی و فعالیهای جنایتکارانه
 او میتواند قسمی از تاریخ مبارزات حاضر معاصر
 وطن ما را روشن سازد .

(۱۱)

عبا شهرباری را پذیرفت . این امر باعث اعتراض
 شدید دانشجویان دانشکده شد . آنها برای
 بیرون کردن دختر شهرباری از دانشکده حتی چند
 مامباعتصاب خود ادامه دادند و نتیجه یک تن
 تحصیلی بکل تعطیل گردید و چند تن از دانشجو
 یان دستگیر شدند که همه آنها را به یکسال —
 زندان محکم کردند .

در ترم بعد هم دختر شهرباری را در دانشکده
 نگهدارشند، تا اینکه سال بعد او را برای ادامه
 تحصیل به امریکافرستادند که اکنون در آنجاست .
 در هنگام اعتصاب، دکتر اقبال خود با دانشجویان
 اعتصاب کنند « گفتگو کرد » بود و به آنها گفته بود —
 محل استکما دختر را از دانشکده بیرون کند ،
 زیرا هیچکس باند ازه پدر را و به شاه خدمت نکرد «
 است . بزودی سرو صدای این اعتصاب در سراسر
 شهر آبادان پیچیده و شهرباری که در زمان —

(۱۰)

این بقا یای رهبران حزب توده و روشنگران حول و حوش آن هریوز بیشتر از روز پیش از جریانات داخلی جامعه جدا و منفرد میشدند در نتیجه ضعف و تزلزل بر بسیاری از آنان چیره شده بود سازمان امنیتی که از وجود افراد مرد د و متزلزل در میان آنان باخبر بود، سیاست خود را براین پایه گذاشت که این افراد را بسوی خود جلب کند و از توانایی و اطلاعاتشان برای پیشبرد مقاصد کنیف خویس استفاده نماید - گیته مرکزی ... " یاد ر واقع باشگاه بقا یای رهبران حزب توده در خارج از کشور نیز با هم و بیشتری شعری هر چه بیشتر خود بسیاری از این عناصر مردد را که اغلب از تجریبه طلاعات و کارائی قابل توجهی برخوردار بودند بسوی دشمن سوق میداد . در نتیجه استعدادها و لیاقت‌های بسیاری که میتوانست با تربیت

(۱۳)

۶- گذشته با مطلعه "انقلاب او"

عباسعلی شهریاری نژاد قبل از کودتای ۱۸ مرداد ۱۳۴۲ یکی از مشهولین درجه سه حزب توده بود . او یکی از فعالین امور سند پکانی بود و در سالهای ۲۰ تا ۲۵ گذشته کارگران نفت جنوب را بهمه داشت .
بساز کودتای ننگین ۲۸ مرداد و در جریان دستگیری ها او به خارج از کشور گرفخت و مانند عد زیادی از این قبیل افراد در در در ورو بر گیته مرکزی حزب توده در خارج از کشور پرسه میزد . در این زمان گیته مرکزی " در واقع مجمع بقا یای رهبران حزب متلاشی شده توده بود که حتی آخرین باقیمانده های سازمان های حزبی اند در داخل کشور در حال کشف و تلاش بودند و فقط عدد مائی از کادر رهای روشنگری مقیم خارج خود را توانسته بود حفظ کرد .

(۱۴)

به هر حال عباسعلی شهریاری نژاد که بعد
ها به آنای اسلام من مرد هزار چهره "شهرت
یافت یکی از همین کادر راهی فعال، با تجربه،
بالیاق و در عین حال مرد و متزلزل حول و
حوالی بقایای رهبران حزب توده بود او که -
آدم زرنگو هوشیار نیز بود و مورد توجه بقایای
رهبران حزب توده قرار داشت، گویا در
همان اروپا بخدمت سازمان امنیت درآمد.

۳ - ایجاد "تشکیلات تهران"

کار اصلی شهریاری برای سازمان امنیت همزمان
با آغاز فعالیت تشکیلات تهران شروع شد.
رونق فعالیتهای سیاسی در سالهای ۴۲ - ۴۱
در داخل ایران، مجمع بقایای رهبران حزب
توده را به این نظر انداخت که آنها هم فعالیت
هائی را در داخل ایران آغاز کنند.
طبعاً پلیس هم از طریق جاسوسان که در میان

(۱۵)

صحیح انقلابی در خدمت خلق قرار گیرد، در
خدمت دشمن خلق قرار گرفت. در حقیقت هنر
بقایای رهبران حزب توده این بود که جنین
کادر های را تعلم میدادند، دانش:،
اطلاعات و تجربه لازم را در اختیارشان میکرد
اشتند و سپس باین عملی و شعف سیاسی و
تشکیلات خود عمل آنها را به سوی خدمت به
بلیس و سازمان امنیت سوق میدادند.

سازمان امنیت بیشتر در نظر داشت که از
این افراد برای رخنه در سازمانها و گروههای
انقلابی استفاده کند (همین امر سبب شد

است که سازمان ما بارها به انقلاب بیون جوان
و کم تجربه گوشزد کند که سخت مواطن اینقلاب
قدیمی و کهنه کار چه تولد ای وغیره پاشند و
اگر تجربه و امکانات لازم را برای آزمایش آنان
و اطمینان از صداقت آنها ندارند باز آنها حذف کنند

(۱۶)

که به تشکیلات تهران معروف شد .
 تشکیلات تهران از سال ۴۲ نشر یقای نیز به
 نام "ضمیمه مردم" منتشر کرد و بدون وسیله -
 برای خود اعتباری بدست آورد .
 تشکیلات تهران نه تنها افراد را بدام خود میانداخت
 بلکه بوسیله‌ی افراد وابسته به خود از گوش و
 کار اطلاعاتی را جمع به گروهها و انقلابیون
 دیگر نیز جمیع آوری میکرد و طبعاً تمام این اطلاعات
 بوسیله‌ی عباس شهریاری در اختیار سازمان
 امنیت قرار میگرفت . البته شهریاری عددی
 زیادی از کارمندان سازمان امنیت را نیز در
 تشکیلات تهران وارد کرده و در راس کارهای
 مختلف قرار داده بود و در واقع این سازمان
 امنیت بود که بوسیله‌ی عده‌ای از کادرهای -
 حزب توده تشکیلات تهران را بوجود آورده
 بود . هدف سازمان امنیت از ایجاد تشکیلات

(۱۷)

آنان داشت از جریان با خبر شد . بقایای
 رهبران حزب توده چهار نفر از اعضای سابق حزب
 توده را برای فعالیت در داخل کشور روانه ایران
 ساخت . این چهار نفر عبارت بودند از دو تن
 از عناصر صادق حزب توده به نامهای رفیق پرویز
 حکمت جو و رفیق علی خاوری به اغایه یک عنصر -
 مردد و متزلزل بنام علی حکیم و یک خائن خود
 فروخته و جاسوس اما ناشناخته بنام عباس شهریاری
 که با اسم مستعار (اسلام) شروع بکار کرد .
 این هیئت چهار نفره به منظور جلب عناصر سابق
 حزب توده با آنها تعاون میگرفتند و از طریق آنها با
 عناصر جدید نیز آشنایی شدند را در پیک ایران
 هم اقدامات آنها را تائید میکرد و برای جلب مردم
 پسوند آنها تبلیغات میکرد .
 باین ترتیب سازمانی بوجود آوردند که -

(۱۶)

تهران از سوی جمع کردن عدّه ائمّه از عناصر
انقلابی و بی اثر کردن آنها و از سوی دپهکر
ایجاد کانونی برای شناسائی سایر گروهها
وسازمان انقلابی و حتی افراد دارای اندیشه
سیاسی بود .

۴ - شکار انقلابی

اولین غر به ایکه مرد هزار چهره زد ، لودادن
شبکه کوچکی بود که در سال ۴۲ میخواست عده
ای را از طرق مرز شمال به سوری بفرستد .
این افراد هیگ بازداشت شدند . یکسال
بعد ، هنگامیکه رفیق علی خاوری حامل نامه ای
برای گمیته مرکزی ... بود همراه رفیق پرویز -
حکمت جو ، "معتمدان و عمارلوگر هشتپر آستانه
دستگیر شد . با این حال آنها کوچکترین شکی هم به
اسلام نکردند بلکه نسبت به "معتمدان " که همراه
آنها به زندان افتاده بود مشکوک شدند -

رفقا حکمت جو و خاوری در بیدادگاه شاه
خائن به دفاع از عقاید خود ، از "حریقتوده " و سوسياليسم پرداختند و هردو به اعدام محکوم شدند . اما اعتراضات شدیدی که ایرانیان مقیم خان به عمل آوردند و تبلیغات وسیعی که در حمایت از آنها بعمل آمد سبب شد که رژیم تنگین شاه مجبور شود حکم اعدام آنها را به حبس - ابد کاهنده دهد . با این حال رفیق حکمت جو در سال ۵۳ در زیر شکنجه های جلادان شاه پس از شهادت رسید .

دستگیری این عده دلیل روشنی بر وجود پلیس در کادر رهبری تشکیلات : تهران بود ولی بقاء یا رهبران حزب توده بعلت بیعملی و سهل انکاری قادر به شناخت ما هیبت کادرها نبودند و در نتیجه ما هیبت عباس شهریاری هم آشکار نگردید .

تهران، بین از تمام فعالیتهای سازمان امنیت برای این سازمان کار کرد و اسلام امنیت را گرداند و مفتر این سه تشکیلات بود. البته تمام روسای مشغول قسمتها مختلف هر سه تشکیلات، کارمندان سازمان امنیت بودند، مانند جاسوسیان و ظرفی دوچن از رهبران تشکیلات جنوب، ولی تمام اینها راهنمایان نکه در مردم تشکیلات تهران - گفته اسلامی سر کار گذاشته بود و تمام فعالیتهای آنها زیر نظر خود او انجام میگرفت. بدین جمیت سه تشکیلات یاد شده خود مجموعاً بصورت یکی از ادارات سازمان امنیت درآمدند. بود که عباس شهریاری، یا همان "اسلام" گرداند آن بود. بقایای رهبران حزب توده هم با این تصور که توانسته اند درسایه صرف اصول پنهانکاری یک تشکیلات حزبی در حال گسترش بوجود بیاورند. دلخوش بودند. در واقع فایده رعایت اصول

(۲۱)

بازداشت خارجی و حکمت جو، اسلام در تشکیلات تهران همه کاره شد. اکنون دیگر او بهتر میتوانست تمامی فعالیتهای تشکیلات تهران را در جمیت تامین هدفهای سازمان امنیت متوجه سازد. در این هنگام بود که مرد هزار چهره دست به ایجاد "تشکیلات جنوب و تشکیلات آذربایجان" حزب توده "زد". او از طریق این سه تشکیلات گروههای مختلف انقلابیون و اشخاص را که دارای اندیشه سیاسی و انقلابی بودند پیدا میکرد، با آنها تماش میگرفت و بعد سر نخ را خیلی با دقت و ظرافت به صورتیکه هیچکس نتواند به او مشکوک شود، بدست سایر مأموران - سازمان امنیت میداد و سازمان امنیت هم با یک صحنه سازی مسخره گروه را به اصطلاح کشف میکرد. سه تشکیلات یاد شده و بویژه تشکیلاً

(۲۰)

که بر علیه دولت رومانی به خاطر توسعه‌گرا بطنش
با ایران صادر شد ، یا نامه اش که تشکیلات
نهران و تشکیلات جنوب به حزب کموپست -
شوری نوشته و به فروش اسلحه به ایران اعتراض
کردند و مقالات مختلف که در ارگان هامنشتر
میشدند وغیره .

علاوه بر روزنامه "ضمیمه مردم" که ارگان -
تشکیلات تهران بود روزنامه‌ای هم بنام -
"علم‌جنوب" از سوی تشکیلات جنوب منتشر
میشد .

در اواخر سال ۴۵، چاپخانه "ضمیمه مردم"
با یک صحنه سازی مسخره با صطلح "کشف"
شد و دو نفر کارگر آن از عناصر صادق تشکیلات
بودند ، بنام رفیق "آصف رزم دیده" و رفیق -
"صابر محمد زاده" دستگیر شدند . آنها
در بیدادگاه شاه خائن از اعتقادات جقود و از

پنهانکاری از جانب اعضا تشکیلات این بود
که اسیرار سازمان امنیت محفوظ بماند واعضا
صادق ماهیت پلیس تشکیلات را نشناسند .
سازمان امنیت به سه تشکیلات یا د شد ،
بهزوده تشکیلات تهران سخت علاقمند بود و نی
خواست آنها را ازین ببرد ، اما به هر صورت
این تشکیلات نمیتوانست ابدی باشد ، زیرا
اگر بقایای رهبران حزب توده فقط علاقمند به
رشد کی تشکیلات بودند و درنتیجه فعالیتهای
اسلامی و سازمان امنیت ، آنها را هم خوشحال میکرد
ولی عناصر صادق که در تشکیلات عضویود نه به هر
حال در انتظار انجام کار رو بیشافت میبا رز میبودند
تشکیلات برای اینکه این عناصر صادق را -
خاموش کند و بتواند فعالیت پلیس خود
را با خیال راحت ادار مدد کاهن اقدامات
ظاهر انتدی هم میکرد ، مثلاً اعلامیه ای

آن را که مورد ضربه قرار داد . از یکسو او
 یکی از دستیاران خود را بنام ناصر آقایان
 که سابقاً از اعضاٰ حزب‌توده بود برای جاسوسی
 در آن رسوخ داد . آقایان که یک مأمور -
 سازمان امنیت بود ، بعنوان یک انقلابی که
 معتقد به مشن مسلحانه است با گروه رفیق -
 جزئی تعاویض گرفت و باعث دستگیر شدن عده‌ای
 و فراری شدن عده‌ای دیگر گردید از سوی
 دیگر رفیق حسن ظریفی یکی از اعضاٰ گروه
 رفیق جزئی که قبلاً با تشکیلات تهران در
 ارتباط بود در هنگام مخفی شدن کوشید
 که از امکانات تشکیلات تهران استفاده
 کند ، ولی نمیدانست که بدین ترتیب خود
 را تحت نظر ساوک قرار میدهد .
 نتیجه این شد که او در سر قراری که -
 با یک رفیق داشت دستگیر شد و هیچکس از

"حزب‌توده" دفاع کردند و به شش و هفت
 سال زندان محکوم شدند . « پساز این
 ماجرا ادامه انتشارات تشکیلات در چایخانه
 های خود سازمان امنیت انجام میگرفت .
 بقایای رهبران حزب‌توده نیز که در خارج از
 کشور به استراحت و نشخوار سوسیالیسم مشغول
 بودند با خیال راحت عنان اختیار را بدست
 آقای اسلام سپرد می‌بودند . »

در سال ۶۴ یعنی یک سال پس از دستگیری
 دو نفر رفقاء پادشاه کارگر چایخانه گروه
 رفیق جزئی که در حال تدارک عملیات تبلیغ
 مسلحانه بود ، از طریق تشکیلات تهران مورد
شناسائی شهریاری قرار گرفتند و از سه جهت

* دشمن از آزاد کردن این رفقاء حتی پس از زیان
 محکومیت‌شان خودداری کرد . استوایند و مبارز
 همچنان در زندانهای شا مخائن بسر میبرند .

میدهد . در نتیجه سه نفر باد شد و دستگیر
میشوند .

پک دیگر از اعمال جاسوس مهم شهرباری از
طبق تشکیلات تهران ، شرکت در شناسایی
گروه فلسطین و غراهم آوردن شرائط دستگیری
آنان است . در سال ۱۳۶۸ که پک دسته از افراد
اد این گروه قصد خروج از کشور را داشتند به
دام افتادند و رمزرسیدن این افراد به عراق
به دست پلیس افتد که با ارسال آن برای
بقیه جمعاً ۴ دسته از اعضای گروه دستگیر
گردیدند . اما آخرین دسته متوجه خطر شدند
و راه دیگری برای خروج برگردند و از ایران
به سلامت خارج شدند . از بازداشت بـ
شدگان در روز تحقیقاتی بعمل آمد و جمیع

آن دو نفر نتوانستند پنهانند که چرا و از کجا
نمیخوردند . بالاخره آخرین نفره ایکه
مرد هزار چهره به گروه رفیق جزو زد این بود
که پنج تن از باقیماندگان مخفی در گروه .
در جنگیان یک ارتبا طبا و قرا گرفتند ، او هم
رول داد ته تمام آنها را از مرز خارج کند ولی
آنها پایین شرط حاضر شدند از مرز بگذرند که
اول دونفرشان از مرز عبور کنند و پس از دادن
علام سلامت از جانب آنان توسط یک نامه
رمز سه نفر دیگر هم توسط اسلامی از مرز بگذرند
اسلامی برای اینکه بتوانند سه نفر دیگر را دست
گیر کند ، دونفر اول را که رفقا " صفاری " .
اشتبانی " صفائی فراهانی " بودند از مرز عبور

باقیه با ورقی صفحه قبل ،
رفقا باقیمانده گروه جزوی قسمت از سازمان
جریکهای فدائی خلق را بی ریزی کنند .

*** رفقا پس از عبور از مرز و بعد از گذشت از
موانع زیادی به جنبه فلسطین پیوستند ، ولی بعد از
مدتی دوباره با ایران بازگشته و موفق شدند که با

و چند تن بازداشت گردیدند که ۱۸ نفرشان در د بهاء ۴۱ محاکمه شدند و چندین نفر از عناصر صادق واستوار آنها به حبسهای سنگین محکوم گردیدند . یکی دیگر از جاسوسهای شهریاری گرفتن ارتباط با گروه کوچکی بود به آرمان خلق دم "مشهور گردید . شهریاری افراد این گروه را به منظور دستگیر ساختن - آنها شناسائی کرد .

او بارها سازمان امنیت عراق را هم فریفت و از این راماطلاعات به نفع دولت ایران و سازمان جاسوسی آمنیکا (سیا) بدست آورد . علاوه بر این او در مورد سازمانهای انقلابی فلسطین ، گروهها و سازمانهای انقلابی در کشورهای عربی و جنبش‌های جزاير و سواحل خلیج و ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز اطلاعات زیادی برای سازمان امنیت و سازمان سیا بدست دید

۶ - صحنه آرایی توظیه مشترک پختیار با قایای رهبران حزب توده

رسال ۲) شهریاری (اسلامی) پلکسانیا
معلی نظامی برای باصطلاح "عملیات - سلحانه" بوجود آورد ، اما درواقع سه تن از اعضای درجه اول این سازمان ، ما موران سازمان امنیت بودند . شهریاری به کمک این سازمان "ندلان" خود توانست خدمات - کرانهایا به دشمن بکند . بدین ترتیب که اوبه پقاپای رهبران حزب توده که مقیم خارج از کشور بودند پیشنهاد کرد که با کمک تیمور - پختیار چنایتکار معروف که بعلت تفاههای شخص با شاه ازد ستگاه دولت رانده شد - بود و در عراق بسر میبرد ، یک باصطلاح ، "جنبدن آزادی پحس ایران" بوجود بیاورند . دین ترتیب تعاملهای بین بقاپای رهبران حزب

توده و بختیار برقرارشد .

بقایای رهبران حزب توده به بختیار پیشنهاد کردند که از اعمال گذشته خود اظهار پشیمانی کنند، اما تمیسар خود خواه این شرط را - نپذیرفت، بقایای رهبران حزب توده هم شر خود را نادیده گرفتند و سازشهاش با بختیار کردند . درنتیجه این سازشها، اسلحه و مهیعت زیادی از جانب بختیار و بقایای رهبران حزب توده روانه ایران گردید . این مهمات به وسیله چند تن عشاير که وابسته بسازمان امنیت بودند و با گلک شتر از مرز عبور داده شد اسلحه هارا خود اسلامی در ایران تحويل میگرفت و یکراست به سازمان امنیت میداد و آنها را برای نما یشن تلویز یونی اماده میکردند در واقع هدف ساواک از طرح این نقشه این - بود که باور کردن توظیه و همدست بقایای رهبران

حزب توده با بختیار، آخرین بقایای آبرو و حیثیت آنها را از بین ببرد و از سوی دیگر میخواست با براه ایداختن یک جریان مهم مخف و بعد تظاهر به کشف آن و نمایش داد نشر روحیه مبارزان ایران را تخریب ولگد کوب کند این کار را هم کرد و نمایش های تلویزیو "مقام امنیت" که بوسیله پرویز ثابتی، یکی از مزدوران ساواک اجرا شد پایان این قضیه بود . در ضمن او برای خام کردن بقایای رهبران حزب توده و بختیار، با کمک مأموران رسمی سازمان امنیت، عملیات نظامی چعلی و مسخره ای نیز برای انداخت و وانمود کرد که عبد لغتنی الراوی، وزیرالفراری عراق را که از مخا- لفان دولت عراق بود و در اختیار رژیم ایران قرار داشت کشته است بختیار از این واقعه آنقدر خویحال شد که بعنوان انعام، چند ساعت طلاق برای

این لحاظ نگران وجود نداشت .
 فقط هنگامیکه جریانات داشت رو میشد ، شهریاری
 هم از جانب ساواک مستور ترور بختیار را دادو
 دولت ایران هم از آن بهره برداری تبلیغاتی -
 لازم خود را کرد
۶ - پایان کارت شکلات سه گانه با نماینده راه پو

تلوزیونی

بهر حال ، تمام جریانات یاد شده در رابطه با -
 تشکیلات سه گانه در ظاهر "حزب توده" و در
 واقع "سازمان امنیت" انجام گرفت و اسلام همواره
 خود را بعنوان رهبر جنبش انقلاب ایران معرفی
 میکرد . و از این راه نقشه های خود را عملی میکرد ،
 این جریان تا زمانی ادامه یافت که دیگر برای -
 انقلابیون داخل و خارج ایران همه چیز رو شد ،
 هم ماهیت شهریاری و هم ماهیت تشکیلات سه
 گانه باصطلاح "حزب توده" در ایران .

(۳۲)

"قاتلان" اراوی فرستاد .
 شهریاری در عراق تمام فعالیتهای باصطلاح
 "حزب توده" را رهبری میکرد و همچنین با
 بختیار تمام مندام داشت و افراد مخصوص
 را که توسط سازمان امنیت در ایران تربیت شده
 بودند در دور و برا و قرارداده بود تا به موقع
 بتوانند استفاده لازم را از آنها بکند .
 بدین ترتیب او از تمام برنامه های بختیار اطلاع
 داشت . حتی میگویند آشپز و راننده بختیار
 هم ماموران سازمان امنیت بودند که تحت -
 تعلیمات شهریاری قرار داشتند .

سازمان امنیت ایران ماهماهی قبیل از ترور بختیار
 قادر باین کار بود ، ولی لزومی باین کار نمیدید
 زیرا کنترل بختیار و نقشه های بقا یای
 رهبران حزب توده تماما در دست شهریاری
 بود ، شهریاری هم مامور خود شان بود و از

(۳۳)

وهدارت و نیلم هاش را که توسط ساوات باصطلاح
مخفيانه از اسلام من تهیه شده بود به نمایش -
گذاشت و آقان اسلام من در این نمایش با -
هرمندی تمام نداشت خود را در قالب یک رهبر
انقلابی بازی کرد .

در این نمایش تمام سلاخها را تحویل شده
به باصطلاح " انقلابیون " به نمایش گذاشته شد
و پرویز ثابت قدرت نمائی های بسیار کرد و
مردم مبارز ایران را مورد استهزاء و تحقیر -
قرارداد و اعلام داشت که سازمان امنیت
 قادر است هرگونه مبارزه خود دولتی را از موضع
قدرت نا بود کند . هدف دسته ای از این تبلیغات
این بود که در درجه اول رواییه مبارزات -
مردم را ضعیف کند و نشان دهد که حق -
زیرین ترین و با مجریه ترین انقلابیون که مرد هزار
زی پره میتوان با نهال قباد اسرا جام قدرت

در این موقع بود که سازمان امنیت وسیع
را با نمایش های رادیو - تلویزیون -
پرویز ثابت و چاپ عکس و گذار در روزنامه
ها آغاز کرد .

در این تبلیغات دولت ایران چنین وانمود
کرد که این تشکیلات وسیع را با تدارکات
کوتاگون ، از جمله اسلحه و مهمات کشف
کرده است و عبا من شهریار را که گراییک انقلابی
بن است با نام مستعار اسلام من فعالیت
میکرده است بدام اندخته واورا محاکمه خواهد
کرد . ثابت در این تبلیغات وسیع رادیو -
تلوزیون و مطبوعات جریان عملیات کویا
انقلابی عبا من شهریار را با آب و تاب نقل
کرد و به اونام " مرد هزار چهره " داد .
پرویز ثابت که بنام یک مقام امنیتی معرفی شد
در نمای رادیو تلویزیون خود ، تمام اسناد
(۳۴)

هایشان بی شر است و به قدرت شاه و -
 سازمان امنیت خدمه‌ای وارد نخواهد ساخت .
 پرویز ثابت با غرور تمام از قدرت و هوشیا ری
 سازمان امنیت داستانسرایی های بسیار کرد
 و حتی کوشید بطور ضمنی این دروغ مسخره را
 شایع سازد که سازمان امنیت یک میلیون عضو
 دارد و بقیه مردم هم مجبور به همکاری با آنان
 هستند تا بلکه بدین وسیله توده های مردم را
 نسبت به هم بد بین نماید .

۲- آخرین چهره های مرد هزار چهره

پس از نمایشات رادیو - تلویزیون آغازی -
 اسلامی ، مرد هزار چهره که بنا به گفته -
 "مقام امنیتی" قرار بود محاکمه وزندانی و حتی
 اعدام شود ، بعنوان یکی از مدیران شرکت کشتیران
 انی "آریا" در آبادان بکارگارده شد .
 او در پست جدید خود با یک عصا و در -

مبارزه با رژیم شاه مزدور را ندارند و به چنگ
 سازمان امنیت من افتند . در غمین دولت مزدور
 شاه با این اعمال به روحیه انقلابیون و عناصر -
 پیشوای هم که به تشکیلات پیوسته بودند یاد ر
 دور و بر آن بودند غریبه شدیدی زد .
 عناصری را که از بین آنها خطرناک تشخیص
 میداد از همان آغاز دستگیر و به زندانهای -
 سنگین محکم نمود بقیه را هم پس از پایان کار
 تشکیلات تهران بایست بازداشت مختصر و یا
 تشکر از ده سال همکاری آزاد نمود . بسیاری
 از این آزاد شدگان که دارای صداقت بودند از
 وضعی که برایشان پیش آمدند بود احساس شدم
 میکردند و دلشان میخواسته اقلام مدتی آنها را
 در توقیف نگهداشند یا به زندان محکم کنند ،
 ولی ساوات میخواستبا این کار خود آنها را
 بیشتر تحریر کند و نشان دهد که تمام فعالیت -

حالیکه موقع راه رفتن تظاهر به لنگیدن میکرد
 ظاهر شد . البته او این چهره جدید را از
 این نظر برای خود درست کرد و بود تا شناخته
 نشود ولی برای کسانی هم که او را میشناسند
 چنین وانمود میکرد که کویادر اثر شکجه کمرش
 آسیب دیده قادر به راه رفتن عادی نیست .
 بزودی شایع شد که او مسلسل در میان عصا
 پیشنهاد کرده است و مردم باو " مرد خطروناک "
 لقب دادند . تا اینکه ماجراجای ثبت نام دختر او
 در دانشکده نفت آبادان و اعتصاب دانشجویان
 بخاطر جلوگیری از این کار پیش آمد که قبل از ذکر
 گردید . در این موقع نام شهریاری که در گذشته
 بخاطر فعالیتهای انقلابی و سندیکائی کارگران
 در آبادان معروف بود دوباره سرزبانها افتاد .
 البته این شغل تازه اول فقط لباس جدیدی بود .
 که او برای ادامه نقش جاسوس این رعنی پوشید .

و گرنه او که بزرگترین جاسوس سازمان امنیت
 و یکی از مهره های اصلی آن بود ، به هیچ
 وجه نمی توانست از فعالیتهای جاسوسی -
 خود دست بکشد و به یک شغل و مقام عادی
 روی آورد . بعد آنیزدیدم که این پست -
 او زیاد دوامی پیدا نکرد و چندی بعد اودر
 لباسهای دیگر ظاهر شد . مثلاً در سال ۵۲
 او در کویت اقامت گردید و بود و شبکه جاسوسی
 ساواک را در رکشورهای خلیج رهبری میکرد . یکبار
 نیز او متهمی بخشنارسی روزنامه مترقبی -
 " الطیعه " در کویت شد تا از این طریق ایرا .
 نیاش را که با آن روزنامه از تباطد داشتند ، شناسائی
 کرد . سازمان چریکهای فدائی خلق از طریق
 پیگیری و ریشه یابی خبر دروغی که در باره محاکمه
 رفیق شیرین معاضدد روزنامه " الطیعه " انتشار

های عربی نفوذ نماید . او با فعالیت‌های خود
لطمات زیادی به جنبش‌های خلقهای عرب -
همجوار ایران نیز وارد ساخته است .
بهر حال ، آنچه یاد شد قسمت‌های از فعا-
لیت‌های جاسوسی "مرد هزار چهره" است که
از پرده بیرون افتاده و یا مابا از آن اطلاع یافته‌ایم
بن شک بسیاری از فعالیت‌های جاسوس او هنوز
افشانشده و بجز عده‌ای از مأموران رئیم کس از
آنها خبر ندارد . روزی که با یکانی‌های پلیس
بدست خلق بیفتند ، از تمامی جنایات شهریاری
هم مانند سایر جنایات رئیم کثیف شاه پرداز ه بر
داشته خواهد شد .

پافته بود وجود عباس شهریاری را در زمان بخش
فارسی این روزنامه کشف کرد . زمانی نیز او بعنوان
وابسته سفارت ایران در یکی از کشورهای عربی -
ظاهر شد . یکی از طرق جاسوسی او در خلیج
آدم رائی بود . بدین ترتیب که او یک گروه
از مأموران تعلیم دیده سازمان امنیت را -
رهبری میکرد که وظیفه داشتند انقلابیون ایران
مقیم کشورهای همجوار عربی و جزایر خلیج -
فارس را بدزدند و با کمک شکجه اطلاعاتی -
راجع به جنبش‌های منطقه از آنها بدست آورند
مقر این گروه در سفارت ایران در کوت قرار
داشت و حسین زاده شکجه گر معروف ساوات
نیز در موقع لام برای شکجه افراد دزدیده
شدہ با هوابیما به آنجا میرفت .

شهریاری تسلط کافی به زبان عربی داشت و از این
روی به خوبی میتوانست در سازمانهای انقلابی کشور

جرا عباس شهریاری اعدام شد ؟
هم میهنان :

ما از اعدام انقلاب این جاسوس کیف و این
مهره حساس سازمان امنیت شاه خائن دو هدف
عدم داشتم :

۱- بالا بردن آگاهی و روحیه انقلابی نیروهای خلق

۲- غص به زدن به پلیس سیاسی و تخریب -
روحیه آن .

۱- در رابطه با خستین هدف باید گفت که
اعدام شهریاری بیشترین تاثیر را در اقتدار
آگاه و بیش رو خلق ، روش نظرکران انقلابی هموده -
های و سیمهدم شهر آبادان که مدت ها محل -
سکونت او بود و شهر کازرون که محل تولد او
است داشته است .

در مرور اشار آگاه خلق باید گفت ، در
شرایط کونی فشار و اختناق بر آنان بضمایت
درجه خود رسیده است . کارگران آگاه ورزش
فکران متوجه بیش از هر چیز فشار پلیس سیاسی
را حس میکنند . زندانیان سیاسی منتهرن -
درج فشار روح و جسم را تحمل میکنند هر روز
زور گوش پلیس به زندانیان سیاسی بیشتر میشود -
و برنامه های بیشتر و مفصل توی برای تخریب
روحیه آنان میجینند . در خان از کشور مقدار
قابل توجهی از نیروهای انقلابی دچار پرا کندگی
و سرگردانی شدید هستند .

گروهی حراف مکاره خود را حزب طبقه کارگر ایران
مینامند ، گروهی خود را در حال تشکیل حزب -
میدانند و تا بلوش را سفارش داده اند و گروهی
خود را در حال آمادگی برای تشکیل آن .
البته همه اینان مبارزه با پلیس سیاسی را در

حرف ممکن ولی در عمل غیر ممکن میدانند .

عده ای عناصر صادق ولی بی تجربه هم بدنبال این یا آن گروه روانند ، غافل از آنکه هر گونه حزب و سازمان انقلابی در جریان مبارزات - طبقاتی خلق بطور اعم و مبارزه با پلیس سیاسی بطور اخض، پدید میآید .

در چنین شرایطی ضریب های قاطع و فلنج - کنده ما به پلیس سیاسی مانند اعدام نیک طبع و بدنبال آن اعدام دو مزد ورد یکر پلیس سیاسی بوسیله بمب ، اعدام ، نوروزی ، اعدام شهریاری اعدام انقلابی نمای خود فروخته ، مهندس - نوشیروان پور ، انفجار درمادر کرسازمان امنیت وغیره میتوانند نیروهای انقلابی پیشو دا خل کشور را یه امکان مبارزه با پلیس سیاسی امیدوار کند و به - تکر بیشتر در باره راههای عمل مبارزه سیاسی بکشاند و سرانجام آنها را به مبارزه مسلحانه

(۴۴)

محتقد کند .

این عملیات میتواند به زندانیان سیاسی - روچیه بدهد و مقاومت آنها را بالا ببرد و آنان را در مبارزاتشان در زندان که دشوارترین - شکل مبارزه است نیرومند و توانا سازد و بالاخره روشنفکران انقلابی خان از کشور را از تاختلات ذهنی درباره مبارزه برهاند و آنان را تصفیه کند .

مردان و بزرگان را بیشتر به سفسطه و مغلطه و یا بقول لئین به آستان بوسی بورژوازی و اداره و عنصر صادق کمونیسیت را از آنان جدا سازد - و به تفکر در تفکر در باره فضای عین مبارزه بکشاند این کاری است که در مرحله کوئن بسیار اساس و لازم است .

در مورد توده های وسیع خلق نیز باید گفت که تمام مردم آبادان ، شهریاری را بخوبی -

(۴۵)

۲- هدف دوم ما از این عمل و عملیات مشابه
 ضریب زدن به پلیس ای و تحریب روحیه
 آن است . این جنبه نظمان مسالمه است و
 البته روشن است که هر چه مبارزه رشد بیشتری
 بکذا اهمیت نظمان عملیات هم بیشتر خواهد شد .
 اکنون درست است که تبلیغ مسلحانه هدف عده
 و اساس عملیات است ولی ارزش نظمان مسالمه
 هم بنویه خود قابل توجه است . عباس شهریاری
 جناحیتکار بزرگ بود ، او نقش بسیار حساسی در
 پیشبرد هدفهای سازمان امنیت و سازمان سیا
 داشت . البته ما اطلاع نداریم که او تا قبل از
 مرگ مشغول چه کاری بوده است ولی بیشک با
 مرک او نقشه های مهم نا تمام مانده و برنامه
 های موثری قطع شده است .
 پروردگر مجدد شخص چون او برای سازمان -
 امنیت پاسیا بکاری ساده نیست و اگر یک غیرمسکن

(۴۲)

میشند ، چه در زمان تولد مای بود نیز و چه
 در زمان جاسوس بودند که باو " مرد خطرناک
 لقب دادند ، بویژه اینکه اعتصاب طولانی -
 دانشجویان دانشکده نفت آبادان و سرانجام
 دستگیری چند تن از دانشجویان بخاطر نام
 نویس دختر او در دانشکده ، در معرفی هر
 چه بیشتر او به مردم نقش خیلی زیادی داشته است
 پس از این واقعه شاید کمتر کسی در آبادان پیدا
 نمود که او را نشاند ، مردم شهر کا زرون
 هم که زادگاه او است ، او را بخوبی میشند و
 از جریان کار نبا خبرند .
 اعدام انقلابی او از سوئی میتواند آنها را بسیار
 خوشحال سازد و از سوی دیگر ، چون آنها
 " مرد خطرناک " را جلوه بارزی از قدرت پلیس
 سیاست و حکومت میدانستند ، میتواند این طلسم
 توانائی مطلق رئیم را برای آنها بشکند .

(۴۶)

ازسوی رئم مجانبظت میشوند حساب کار خود
 را خواهند کرد، خواهند فهمید که دست
 توانای خلق ما قادر است آنان را هم مجازات
 کند و متوجه میشوند که دیگر سروکارشان با سرب
 داغ است و مردانه و متزلزلان نیز خواهند فهمید
 که اگر لیاقت ادامه مبارزه را در صفو خلق
 ندارند، در عوسرار و گاه دشمن هم زیاد جای
 امنی برایشان نیست و در نتیجه ترس و وحشت
 از انتقام خلق آنها را از غلتیدن به پرتگاه
 خیانت باز خواهد داشت.

هنگامیکه در سال ۵۰ رگبار گلوله های چریک
 های فدائی خلق به زندگی ننگین تیمسار—
 فرسیو خائن خاتمه داد، صدای قهقهمه ماموران
 سرکوب خلق خاموش شد و مجلس عین رو عنترنشان
 به مریخت ران هنگام سازمان ما هنوز کاملاً با
 نگرفته بود و این اقدام ما برای جنایتکاران

(۴۹)

نباشد بزودی میسر خواهد شد. بدینجهت اعدام
 عباس شهریاری ضریه شدیدی به پلیس سیاسی است
 آنرا در مبارزه با جنبش انقلابی خلق ما ضعیف تر
 خواهد کرد و در مقابل به سهم خود به رشد —
 جنبش انقلابی کمک میکند.

همینطور در مورد نیک طبع و پلیس سیاسی دیگر
 و یا در مورد نوروزی که شخصی در ورده دیده و با
 تجربه بود و از نظر خصوصیات شخصی نیز کار
 آنی فراوان در سرکوب و حشیانه داشتجویان —
 داشت. علاوه بر این ضریه روحی ناشی از —

اعدام شهریاری و سایر عملیات طرح های نمونه ای
 پلیس سیاسی نیز بسیار قابل توجه است. در واقع
 تیمساران شهریاری پوسیله همازمان ما، جاسوسان
 دیگر پلیس سیاسی که نه هوشیاری، نه زرنگی و
 نه تجربه شهریاری را دارند و نه باندازه او

(۴۸)

(۲۳)

غیر منتظره بود هاکون سازمان مادرت بیشتری برای مجازات دشمنان خلق دارد : در چند ماه اخیر عملیات طرحهای نمونهای سازمان ما ضربه سیار سنگین به پلیس سیاسی ایران زده و روحیه آنها را سخت تخریب لمود است . هنگامی که نیک طبع، شکجه گر معروف ویک از مهره های اصلی کمیته را تیپ باران کرد یم، صدا هائی که ازی سیم پلیس شنیده میشد، همه لرزان و وحشت زده بودند آنها کاملا دست و پای خود را گم کرده بودند، گفتگوی روزی دیگر یاد شان رفته بود بطور عادی ازی سیم با هم صحبت نمیکردند . درست نیم ساعت بعد، پیکر د و مزد ور دیگر - ساواک و شهریان بوسیله انفجار بمی که کار گذاشته بود یم از هم متلاش شد . بقیه شکجه گران و جاسوسان دشمن دیگر نه

تنها وحشت داشتند از خانه ویا اداره خود بیرون بیایند ، یلکه در پنهانگاه خود « هم از وحشت چون بید بخود میلرزید » . چندی بعد نوروزی خائن رئیس کادر را تشکاه صنعتی و جلاد دانشجویان در مقابل رگبار مسلسل رزم‌مند گان سازمان ماقرار گرفت و ماشینش به آتش کشیده شد . هنوز شهریان در وحشت این ضربه بود که روز بعد بزرگترین جاسوس رژیم و - عالیترین مشاور سازمان امنیتیش بوسیله ماتین باران شد . بفاصله چند روز بعد و مرکز مهم سازمان - امنیتی با بمیزمند گان مانع گردید . چندی بعد مهندس نوشیران پور انقلابی های سابق که خود را به رژیم فروخته بود رجلوند وریین خیانت ظاهر شده بود بوسیله ماتین باران گردید « ما در تمام این - عملیات هیچگونه تلفات جانی و مالی نداشیم » .

گم ویں برنامگی شده و قادر به انجام هیچ اقدام
 موثر و مثبت در مقابل موج حمله مبارزات ^{ما} نیستند،
 زیرا به هر عملی که دست میزینیم موفق میشویم و این
 گذشته از اینکه ناشن از اهمیت برنامه عمل ماست،
 نشان دهنده غافلگیری شدن عاجزانه پلیس سیاسی
 ایران نیز هست اکون جاسوسان و شکجه گران -
 ریزود رشت سازمان امنیت و شهریانی با خود -
 میگویند وقتی که عباس شهریاری در جلو مجفیگاه هنر
 اعدام میشود، دیگر حساب ما بکل پاک است و بدین
 جهت نسبت به نتیجه مثبت هر گونه اقدام احتیاط
 آمیزی از جانب شود نامید میشوند .

و هیچگونه رد پائی بر جای نگذاشتم اکون
 دشمنان خلی ، ماموران ترور و شکجه دیگر
 زندگی آسوده و پر عیس و نوشی ندارند ، دیگر
 در مجالس جشن و سرورشان خنده مستانه سر
 نمی دهند . آنها از زندگی خود کاملا نامیدند
 و هر آن در انتظار نوبت خود هستند چون -
 بخوبی میدانند که خلق ما دشمنان سرا هرگز
 نمی بخشد . پلیس سیاسی ایران در طول دورا
 حیات خود نه تنها هرگز چنین غریبه های وحشت
 نخورد و چنین دیوار خوف و هراس نمی شده بلکه
 هیچ وقت حتی تصور چنین روزی را هم نمیکرد ،
 است این چند ماهه اخیر که دوران طرحهای
 نمونه ای سازمان چریکها فدائی خلی بوده
 است دوران خوف و وحشت و تخریب رواییه -
 پلیس سیاسی ایران است . آنها کاملاد چار سر

پایان یک دوره در
مبارزات انقلابی خلقها

در بیان ناثیرات کوناگون اعدام انقلابی شهر-
پاری در بیروهای خلق و غد خلق، باید معنای
سیبولیک این اعدام نیز توجه نمود.

شهریاری سمبول یک شیوه عمل پلیس بود شیوه -
عملی که محونتفه های جنبش انقلابی وطن ما از ۲۸
مرداد ۱۳۴۶ را تاختیز سیاهکل، نقش تعین کننده
داشت. شلیک نخستین کلوله هادر باسکه سیاهکل

بی اثر شدن این شیوه عمل پلیس سیاسی و پایان
یک دوره کامل از تاریخ مبارزات انقلابی خلق مارا
اعلام نمود و رما یکه گروهها و سازمانهای مخفی -
قبل از شروع هکار تودهای و مبارزه آشکار باد شمن
و در حال فعالیتهای مخفی صرف از طریق -
رخنه جاسوس پلیس در انها، کشف و منهد م
میشدند. جنبش مسلحه سیاهکل پایان -

این دوره را اعلام داشت و بسیاری از عناصر
پیشو آنرا دریافتند، اما برای عقب مانده ها
سیاسی ای که سرعت انتقال لام را برای درک
جهشها تاریخ ندارند تذکر مجدد این نکته
لام بود و باز هم هست که این دوره دیگر تعام
و کمال به پایان رسیده است با اعدام شهریاری
ما این تذکر مجدد را به قاطع ترین وجه داد یم و
پایان دوران ترکتازی گستاخانه جاسوسان پلیس
سیاسی را بارد دیگر اعلام داشتم.

در اینجا بی مناسبت نیست به برسی این مسئله
بپردازیم که چرا در این دوره ایکه گذشت عرصه
محفلها گروهها و سازمانهای انقلابی جوانگاه
جاسوسان پلیس سیاسی شده بود و چرا این -
دوره دیگر کاملا پایان یافته بود

های خصوصی بر آن حاکم است، در حالیکه
 منظور ما از این کلمه در آینه‌جا بهیجوچه
 این نیست، لئن مبارزه را به اعتبارهای مختلف
 به اشکال متناد مختلف تقسیم می‌کند، ما نند
 علنی (قانونی) و غیرعلنی، آرام و طوفانی -
 زیرزمینی و آشکار، محفلی و توده‌ای وغیره ...
 تقسیم مبارزه به دو شکل متناد "محفلی و توده‌ای"
 به اعتبار سطح تاثیر اجتماعی آن است و منظور از
 مبارزه‌ی محفلی، شکل از مبارزه است که دامنه
 تاثیر آن محدود به روابط روند احزاب -
 سازمانها و گروههای سیاسی و یاروابط آنها
 با یکدیگر و با اشخاص مستقیماً مرتبط با آنها
 است که متسافنه ما در زبان فارسی، واژه‌ای
 بهتر از "محفل" برای این مفهوم نیافته‌ایم.
 به هر حال، مبارزه‌ی توده‌ای نه خود را رای
 اشکال متنوعی از مبارزه‌ی علنی و قانونی -

(۵۲)

اصولاً یک سازمان انقلابی باید در رابطه
 ارگانیک با توده‌ها و در جریان مبارزه باطبقات
 حاکم و نماینده‌ی ویژه آنها، پلیس سیاسی رشد
 کند و بیک حزب سیاسی تبدیل شود. در رابطه
 با این امر باید گفت که یک سازمان انقلابی باید به
 دونوع فعالیت پردازد: یکی فعالیتهای محفلی
 که عبارت از فعالیتهای درون سازمانی و با فعالیتهای اشتراک
 است که در رابطه با گروههای سازمانها، محافل و
 اشخاص منفرد صورت می‌گیرد. یکی دیگر هم فعالیتهای
 توده‌ای سازمان است که عبارت از مبارزه آشکاری
 است که در سطح جامعه انجام می‌پذیرد.
 لازم به یاد آوری است که عبارت "فعالیتهای محفلی" ممکن است برای خوانندگان سوتناهم -
 ایجاد کند، زیرا در زبان فارسی کلمه محفلی -
 بلا فاصله نوی از روابط سیاسی را در زدن نشوند
 آن تداعی می‌کند که فنازی دوستانه و برخورد

(۵۶)

بوروکراتیک مخفی میشود و بیکاری و بن هدف
 آن را از درون میخورد و من پوسته نداشته
 دیگر پلیس سیاسی به سادگی میتواند در آن
 رخنه کند، چون کاری را که چنین سازمان انجام
 میدهد عبارت از یک رشته روابط بوروکراتیک -
 محدود و بحثها و انتشاراتی است که دامنه‌ی
 تاثیر آن از چهار چوب سازمان خارج نمی‌شود
 و نه آگاهی خلق را بالا میبرد، نه ضربه‌ای به
 دشمن میزند. بدین جهت پلیس سیاسی هم
 میتواند آن را با خونسردی سالها تحمل کند
 و از این طریق به آرامی جاسوسان خود را در
 سازمان رخنه دهد و جاسوسان هم به سادگی
 میتوانند این گونه فعالیتها "را انجام دهند -
 بن تجربیکی اعضا سازمان نیز که نتیجه‌ی مبارزه
 نکردن با پلیس سیاسی است با این امر کمک میکند.
 سازمانیکه فقط به فعالیتها مخفی خود سرگرم

(۵۹)

گرفته با تبلیغ مسلحانه و ضربه زدن به نیروی
 دشمن است که انتخاب هر یک از این اشکال
 بستگی به شرایط مشخص جامعه نارد.
 روشن است که فعالیتها محفوظ برای ایجاد
 و بتای سازمان لزم حیات دارد و فعالیتها
 تردد ای هم علت وجودی سازمان است و سازمان
 فقط با کمک آن قادر است بماند و رشد کند.
 هر سازمان در آغاز تشکیل خود طبعاً برای
 مدتن باید فقط به فعا لیتها محفوظ بپرسد از
 تا اینکه بتواند خود را برای شروع فعالیتها
 تردد ای آماده کند، ولی هرگاه فعالیتها
 محفوظ افزای طول بکشد و سازمان نتواند -
 خود را برای شروع مبارزه ای تردد ای و آشکار
 در سطح جامعه آماده سازد، آنوقت است -
 که سازمان انحطاط خود را شروع میکند.
 از سویی دچار دور باطل روابط بین شعر -

(۵۸)

ممکن است برای مدتی فعالیت‌های توده‌ای خود را قطع کند و صرفاً با حفظ روابط خود در پناه اصول پنهانکاری و در انتظار فرصت ادامه‌ی — وجود بد هد، وبلو باز این دو ره‌نمی — تواند طولانی باشد هرچه قدر هم که این — حزب‌دارای استحکام زیادی باشد و سابقه‌ی فعالیت‌صولی را پشت سرگذاشته باشد، باز قدرتمند برای مقابله با زیان‌های این دوره — نا محدود بیست و نه تواند ارزیان‌های فاسد کنده، انحلال‌گرانه و ضریب‌پذیری آن در امان باشد. پس باید یک سازمان انقلابی بطور کل، برای اینکه خود را حفظ کند، از بوسیله‌گی و فساد خود جلوگیری کند، آلت دست پلیس سیاسی نشود و در عین حال رشد نماید، مبارزه را هرگز قطع نکند و با اگر در شرایط مشخص مجبور به ترک مبارزه‌ی آشکار باشد

(۱۱)

باشد و برای مبارزه‌ی آشکار باشد من و تاثیر گذاری بر توده‌های وسیع آماده نشود، هر گونه رشدی هم که در خفا در پناه اصول پنهانکاری صرف بکند، دروغین و بیشالی است — و اگر چنین سازمانی به اداره‌ای از سازمان — امنیت (مانند تشکیلات سه‌گانه حزب‌توده) تبدیل نشود یک تشکیلات نااستوار بیشتر — نخواهد بود که با اولین حمله پلیس نابود می‌شود البته چنانکه لکته‌ی هر کروه یا سازمان انقلابی در مرحله اولیه‌ی پیدایش بور شد خود — دوره‌ای را باید صرفاً در پناه اصول — پنهانکاری، بدون مبارزه‌ی رویا روی باشد من بگذراند، ولی این دوره در شرایط اختناقی جامعه‌ما باید هرچه کوتاه‌تر باشد و در شرایط بهتر هم نباید زیاد طولانی باشد — همین‌طور یک حزب متسلک و سازمان پاشه هم

(۶۰)

دوما بوده برای جلب اعتماد ما
 من بایست به ما کمک کند تا روزنامه
 های بومیه‌ی علنی خود را
 منتشر سازم . مالینوفسکی در حالی
 که با یک دست دهها تن از بهترین
 فعالین بلشویسم را به سوی زندان
 با اعمال شاقه و مرگ رهسپار من نمود
 من بایست با دست دیگر به تر بیت
 دهها هزار بلشویک جدید از طریق
 مطبوعات علنی کمک کند .

(۱) نم. ل) ، ۲ ، ق ۲ ، ص ۱۴۴

اگر در شرایط سال ۹۱۲ اروسیه، مبارزه
 ای آشکار و کارتوده‌ای، انتشار روزنامه بومیه
 علنی و تبلیغ و ترویج وسیع در میان توده‌ها
 از این طریق بوده، در شرایط امروز جامعه
 ای مامبارزه‌ی آشکار و کارتوده‌ای، تبلیغ مسلح

(۶۳)

است، بکوشد این دوره را هرجه کوتاهتر -
 کند تا از عواقب بد آن کمتر زیان ببیند ، البته
 چنانکه باز هم گفتم در اینجا شکل مشخص
 مبارزه توده‌ای مطرح نیست ، بلکه منظور مبارزه
 ای توده‌ای بطور کل است .
 شکل مشخص مبارزه‌ی توده‌ای ناشی از شرایط
 مشخص جامعه‌ی مورد نظر است . در سال -
 ۱۹۱۲ جاسوسن بنام مالینوفسکی وارد کمیته
 مرکزی حزب کمونیست (سوسیال دموکرات) بلشویک
 روسیه شد . این شخص دهها تن از بهترین
 کمونیستها را به دام پیش ایده اخت ، لبین خود
 میگوید "اگر او نتوانست بیش از این

زیان برساند بعلت آن بود که ما
 بین کارعلنی و غیرعلنی تناسب صحیح
 برقرار ساخته بودیم مالینوفسکی
 که عضو کمیته‌ی مرکزی حزب و نماینده "

(۶۴)

پذیرفته بودند ، چون در مرحله تدارک مبارزه مسلحانه مجبور به کارهای محفلی صرف بودند
 مورد شناسائی پلیس ورسخ جاسوسان
 سازمان امنیت در گروهستان قرار گرفته و ضریب خورد ند یا نابود شدند . آنجه را که مربوط
 به گروههای در حال تدارک است من توان گفت
 بهر صورت خطراتی قابل قبول بوده است که
 البته تجربیات ان برای گروههای دیگر باقی
 مانده و سرانجام دنباله‌ی همین گروهها ،
 سازمانهای نوین انقلابی را تشکیل داده ماند
 که در مقابل حملات رژیم قادر به پایداری است
 اما در مورد تشکیلات تهران و گروهها و
 سازمانهایش که بدون تدارک برای مبارزه
 مشخص رویا روی با دشمن ، صرفاً به سازمان
 دهن بور و کراتیک مخفی بسته کردند و
 خواسته اند برای مدنی نامحدود ، تشکیلات

(۶۵)

(۲۲)

است . شکل مشخص مبارزه را شکل سلطه و سر کوب دشمن تعین میکند . پس از ۴۸ مرداد دشمن به سرکوب خشن و محو و ایهدام هر - صدای مخالفی پرداخت ، طبعاً حزب توده میباشد به عمل نظامی دست میزد . اگر هم در این کار خود شکست میخورد . لا اقل پروسه مبارزه‌ای جامعه را از سیاست به نظامی ارتقا داده بود ولی این کار را نکرد و چون شکل دیگری از مبارزه امکان پذیر نبود حزب توده هم مبارزه را بطور کلی کار گذاشت .
 گروهها و سازمانهای سیاسی بی نیز که پس از حزب توده آمدند در جریان کارهای محفلی صرف بدون اینکه شکل لازم مبارزه را بشناسند و دست به مبارزه‌ی آشکار با دشمن بزندند - یک یک لومن رفتند و نابود می شدند . حتی چند نفر که خط‌مند مبارزه‌ی مسلحانه را

(۶۴)

که در این صورت تشکیلات به زودی لومی -
رفت و نابود میشد و تجربه‌ی شکست آن برای
گروهها و سازمانهای دیگر من توانست تدمن
در کشف شکل لازم و محوری مبارزه باشد ولی
باز هم دست جاسوسان پلیس سیاست به زودی
رومیشد و در هر صورت آقای اسلامی قادر
بود ده سال تمام نیروهای پیشو خلق ما را
به بند بکشد ، به کنترل سازمان امنیت درآورد
و عناصر ممتاز آن را به سوی اعدام و شکجه روانه
سازد . اگر ده سال تمام ماموران سازمان
امنیت واعنسای حزب توده توانستند در کار
هم و دوسره دوسره هم "کار" کنند این بد لیل
ماهیت آن "کار" بود . زیرا چنانکه گفتیم -
سازمان سازی بوروکرا تیک مخفی بد و نهیج
مبارزه‌ی روزیاروی با دشمن و صرفاً با انتشار
مجله و اعلامیه در مقیاس محدود و ده کاری است

(۶۲)

خود را در بناء صرف اصول پنهانکاری محافظت
کنند دیگر رخنه‌ی جاسوسان پلیس سیاست سی
پک نمونه تاکتیک اتفاق نبود « بلکه عاقبت
محتم واجتنا بنا پذیر آنها بود » است .
تشکیلات سه گانه " حزب توده "
با ده سال آلت دست پلیس سیاست شد ن بر
جسته ترین نمونه و خیانت به خلق را در تاریخ
مبارزات سیاست میهن ، ماراشه داد . اگر این
تشکیلات از همان آغاز به شکل از مبارزه توده
ای دست میزد و یا شکل از مبارزه‌ی توده ای
را تدارک میدید ، ازدواج حال خارج نبود ، با
این شکل مبارزه منطبق با شرایط جامعه بود
و به هر صورت و با هر بهائی با لاخر دست
جاسوسان پلیس رومیشد و نظره‌ی قابل
دقاک مبارزه در جامعه به وجود می آمد و یا
این شکل مبارزه منطبق بر شرایط جامعه نبود

(۶۶)

که پلیس هم به سادگی میتواند انجام دهد این فرمول عمومی تبدیل کنم ، باید به جای کارعلنی مسئله ای نیست که فهمید شوار باشد و یا تازه کار توده ای و مبارزه ای آشکار در سطح جامعه کشف شده باشد ، لئن آموزگار کبیر پرلتا ریاضی جهان ، چگونگی حل این مسئله را در چند جمله نشان داده است :

باری ، چه دلیلی دارد که رهبر ان حزب توده این درس آموز کار کبیر پرلتا ریاض را نادیده گرفته اند ؟ آیا ان را نفهمیده اند یا ندیده اند و یا بقول لئنی :

" گفته معروفی است که اگر

قضایای بد یهی هندس

هم با منافع افراد برخورد مینمود

محقا آن را رد میکردند "

(۲۰ م . ل . ج . ۱۰ ق . ۰ م . ۹۴)

به هر حال چنانکه گفتم ، اگر دیگر د وران ترکازی جاسوسان سازمان امنیت در کروها و سازمانهای انقلابی به سر رسیده است . اما آنها که قبول واقعیت برایشان کردن تمام میشود همچنان

(۶۹)

" بدون شک بورژوازی در بسیاری

از کشورها و از جمله در پیشرو

ترین آنها هاکم جاسوسانی را بدروں

احزاب کمونیستی فرستد و خواهد

فرستاد . یکی از وسائل مبارزه با

این خطر ، در آمیختن ما هرا نه

کارعلنی و غیرعلنی است .

(۲۰ م . ل . ج . ۱۰ ق . ۰ م . ۹۴)

البته در اینجا اشاره ای لئنی به کارعلنی

(قانونی) ناشی از توجه او به شرایط خاص

است . اگر بخواهیم این گفته ای لئنی را به یک

(۶۸)

ما و حزب توده

بقایای رهبران حزب توده در پیا من -
سرگشاده که خطاب به سازمان ما فرستاده
اند پس از اینجا رهبه پیام را بروئ قبول -
خود به "رفیق مازیار و دوستان" که برای ما
نام نآشنا و مسئله ای نامفهوم است و ذکر
مطالبی کاملاً ذهنی و غیر واقعی درباره -
"رونده تجدید اندیشه" در سازمان ما و انتقاد
از مادر و مورد سرانجام مبارزه مسلحه ای ما
را بمنظور بره برداری های سیاسی آشی خود،
با شکل مبهم غیر واضح و قابل تفسیر تا حد کریماند

و باین نتیجه رسیده اند که :

بر همین پایه است که گفتگوی خلاق
وزنده میان شما و همود ما ن روی
مسائل مشخص و بد و بدن پرده پوشی
از زمین نهیم واژ شما خواستا ریم
(۲۱)

هم ممکن است آزموده را بیازمایند . جاره ایندار
جز اینکه به رفتار خود و سازمانها و کروهای
و اقعا انقلابی و پیشرو گوشزد کنیم که از ارتباط
با گروهها و سازمانها و محلهای این که صرفاً
به کار بپردازیم مخفی مشغولند حذر کنند و
مدعیان انقلابی بودن را فقط در مبارزه رویا
روی با دشمن بیازمایند .. تنها به خلوص -
انقلابی کس میتوان ایمان داشت که از این
صفه بکدرد .

که برای برپا ساختن یک چنین
 گفتگوی همه جانبه‌ای به مایاری
 کمید. ما به نوبه خود از آنچه
 از دستمان برآید در این رامکوتا
 هنخواهم کرد. (نقل از
 پیام حزب توده به چنگاهان فدائی
 خلق از "راد بوبیک ایران" (۱)
 مسلمان در حول و حوس "کمیته مرکزی
 حزب توده" و سایر "سازمانها ای انقلابی"
 مشابه، عناصر صادق وجود دارند که هنوز
 بسیاری از مسائل برایشان حل نشد، است ونا
 آگاهانه بدنبال این سازمانها روانند.
 درست بدین جهت است که ما به پیام‌های
 رهبران حزب بود، پاسخ می‌گوشیم.

۱ - اصل پیام عینا در رهایان این جزو آمد است

واما پاسخ ما،
 قبل از هرجیز باید گفت، این سازمان که
 اکنون خود را "حزب توده" من نامد نه تنها
 حزب طبقه‌ی کارگر ایران نیست، بلکه اساساً
 یک حزب نیست. این سازمان در زیارت امر
 یک سازمان مددود سیاسی روشنفکری ضد رژیم
 است در صورتیکه حزب طبقه‌ی کارگر سازمان
 سیاسی واحد طبقه کارگراست که مبارزات طبقه‌ی
 کارگر و در رابطه با آن مبارزات سایر توده‌های
 خلق را رهبری می‌کند. در واقع آن چیزی که --
 اکنون نام "حزب توده" بر خود نهاده است --
 تشکیل شده از مقایای کمیته مرکزی منتخبکنگره‌ی
 دهم حزب توده در سال ۱۳۲۷، به اتفاقه‌ی عده
 ای از روشنفکران در ورو برآن درخان از کشور.
 این سازمان، نه با توده‌های کارگر می‌باشد ارکانیک
 دارد، نه اساساً باهی طبقه‌ی دیگری و نه در

بودند و خط و مشی آن را به انحرافات اپورتو
 نیستند و دنباله روی غیره کشانده بودند .
 البته این موقعیت را کامبیز احزاب کمونیستی
 دیگر جهان نیز داشته اند ، ما نند حزب
 کمونیستی چین در زمان چن دوسیووان مین
 وغیره ، امادر آن زمان ، او خدا عداخلی و بین
 المللی ایران فرصت آن را نداد که این حزب
 در جریان مبارزات انقلابی خلق ورشد سیاسی
 توده ها ، مورد تصفیه قرار گیرد و حرکت امواج
 مبارزات پرولیتی ، ایدئولوژی های خط و مشی
 های خورده بورژوا بی رانا بود کرد و
 عده ای اصلاح ناپذیری از روشنفکران خورده
 بورژوا را از حزب بیرون بریزد . ظهور یک
 اپوزیسیون (نیروی مخالف) روشنفکری راست
 در داخل حزب (دارودسته روینیونیست خلیل
 ملک وغیره) واعتصاب آن نیز به رهبران

(۷۵)

بی یافتن . چنین بیرون و ارتباطی استکنده
 میتواند ادعا کند که حزب طبقه کارگر -
 است و یا اصلاً یک حزب است ؟ تازه اگر
 هم بقا یای رهبران حزب توده ادعای کنند که در
 خیال نفوذ در توده ها و یافتن ارتباط را کنید با
 آنها هستند خود شان هم این حزب خود را جد
 ی بگیرند ، بازحالا که هنوز هیچ قدمی در این راه
 برند اشته اند ، چگونه بخود اجازه من دهنده
 خود را حزب طبقه کارگر ایران بنامند ؟
 تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ ، حزب توده
 حزب طبقه کارگر ایران بود که بعلت شرایط -
 خاص داخلی و بین المللی آن دوره از تاریخ
 ایران هماره عده ای از روشنفکران خورده
 بورژوازی ، بدون اینکه در جریان میا رزمه
 انقلابی طبقه کارگر ، بالا یعنی پرولیتی یافته
 باشند ، رهبری آن را به تصرف خود در آورده
 (۷۶)

د شنه جلا د رفتند و رهبران خرد « بورزوایا »
 با خفت و خواری تسلیم دشمن شدند و خدمت
 کاری او را برگزیدند و یا از کشور گریختند
 و خود را همچنان " حزب توده " نامیدند.
 اینا ن نه تنها حزب طبقه‌ی کارگر ایران کوشی
 نیستند، بلکه دیگر نماینده‌ی گان همان حزب
 توده‌ی سابق هم نیستند. پیک سازمان سیاست
 روشنفکری مخالف رژیم هستند که به نوعی ایدئو
 لوژی ابور تونیستی " مارکسیسم خرد " بورزوایی
 معتقدند. آیا سیاست ما و سایر ما رکسیست
 - لینیست‌های صدیق در مقابل اینان چه باید
 باشد؟ روش است که اگر آن‌ان شکل خود را
 با محتوای خود همگون سازند، تا بلوی " حزب
 توده " را دیگر به تاریخ پیوسته است به دور
 اندازند و عناصر صدیق دور بر خود را که علاوه
 مند به کار انقلابی هستند رها کنند و آنکاه خود

(۲۲)

خورد « بورزوای حزب توده » کمک کرد تا توده‌
 های حزب را برعلیه آن مشکل کنند و ماهرانه
 نیز گبازا ماهیت خود را زیر لفاظه‌ی مبارز « -
 با این جناح ابور تونیست، از توده‌های
 حزب بپیوشنند. این رهبران به سادگی هر
 گونه انتقادی از ابور تونیست و دنباله روى
 خود را به بهانه‌ی لزم مبارز « با انشعاع-
 بیرون راست که سخت مودر نفرت توده‌ها بودند
 خاموشی‌ساختند و انتقاد کنند گان را به
 هواداری از آنان متهم میکردند " در نتیجه
 وحدت پوشالی حزب در زیر استیلای رهبران
 خرد « بورزوای حفظ شد. اما بزودی، در پیک
 نبرد روایا روی پادشاه شالود « این وحدت
 پوشالی از هم گشخت، توده‌های نا آگاه
 و فربی خورد « هی حزب پرا کد « شدند -
 عد مای از عناصر مومن و صادق حزب به زیر

(۲۶)

برای رخنه در صوف مبارزین کمک من نمایند
 حجم قابل توجهی از روشنفکران انقلابی را
 به حرفه‌های بیکاره تبدیل می‌کنند و خلاصه با
 شرکت در توپته بختیار و غیره آبرو و حیثیت نیرو
 های انقلابی پیشرو را در برآورده از میان
 آیا این خرابکاری ها در جنبه‌انقلابی خلق
 ما قابل بخشناسی و آیا خلق میتواند آن را
 نادیده بگیرد ؟ علاوه بر عناصر حاد قیکه باشد
 از گرد بقا یای حزب رهبران حزب توده براکند
 شوند تعداد قابل توجهی از روشنفکران تحمل کرد
 و با سواد و درعین حال نسبتاً متوفی نیز در
 اختیار این سازمان است که اینان اگر چه
 انقلابی نیستند و نمی‌خواهند مستقیماً رمبارزات
 انقلابی خلق شرکت کنند ولی اگر درست هدایت
 شوند قادرند که بپس خدماتش به فرهنگ انقلابی
 جامعه بکنند، مانند ترجمه‌ی آثار مارکسیست

(۲۹)

به عنوان یک سازمان روشنفکری ضد رژیم به سهم
 خویش به مبارزه‌ی ضد امپرالیستی خلق ما از
 طریق افشای رژیم و اربابان امپرالیستی این روز
 کما بیش تریج شناخت علمی د رمیان نیروهای
 از خلق (حتی روشنفکران خان از کشور) به
 بوسیله ترجمه و تالیف کتاب و مجله و غیره کمال کنند
 بن شک مورد حمایت ما قرار خواهند گرفت .
 اما بقایای رهبران حزب توده چه می‌کنند؟ اولاً
 آنها خود را حزب طبقه‌ی کارگر ایران می‌نامند
 و برای اینکه ذره‌ای از این ادعای خود پایه‌های
 تزمینیاند، به انواع سفسطه‌ها، چرند پایه‌های
 اپرور نمی‌ست و دروغ برد از همای سیاست
 می‌پردازند و بدینوسیله در شناخت خلق ما
 و نیروهای پیش‌اولیه آن تبا هم ایجاد می‌کنند
 با ایجاد "چریانات" جعلی سیاست مانند تشکیل
 تهران و غیره عمل به جا سوساند -

(۷۸)

بهتری دارند و میتوانند خدمات بیشتری پکند
زیرا آنها مجبور به رعایت سانسور هم نیستند
و زندگی شخص شان نیز از کُرد پلیس سیاسی
شاهه در امان است .

اما بقایای رهبران حزب توده این تحلیل ها
را قبول نخواهند کرد . آنها همچنان خود را
حزب طبقه ای کارگر ایران خواهند دانست
و جدایی کامل بیست و دو ساله ای خود را از توده
ها یک "امر موقت" به حساب خواهند آورد و با
لا اقل خود را یک سازمان مارکسیست - لئنینیست
که در جهت نفوذ در توده هامی خواهد حرکت -
کند خواهند شمرد و در این صورت طبعاً میخواهند
که پیشنهاد آنها را برای گفتگو و رسیدن "نخست
وحدت ایدئولوژیک و پس وحدت سازمانی"
پیذیریم . بسیار خوب ، در این باره صحبت میکنم
تا ماهیت این پیشنهاد برای عناصر صادقی که

(۸۱)

پژوهش‌های تاریخی ، اقتصادی ، فرهنگی وغیره
البته اینان تا کون کارهای در این زمینه کرده
اند مانند ترجمه کاپیتال وغیره ، ولی این کار
ها یک صدم آن چیزی هم که آنها من توانستند
انجام دهند نیست .

کارهای فرهنگی یاد شده ، کارهایی -
است که بقایای رهبران حزب توده ، سایر -
سازمانهای روشنفکری عذر نیم وخت روشنفکران
منفرد ترقیخواهی که نمی خواهند موسع -
روشنفکری خود را رها کنند و در مبارزات انقلابی
خلق حل شوند ، من توانند به سود خلق اینجام
د هند . اگون بسیاری از روشنفکران صادقی که
در گذشته عنفو حزب توده بوده اند ، در داخل
کشور بدون داشتن هیچ کونه ادعایی این وظیفه
را کما بس انجام میدهند . طبعاً روشنفکرانی -
از این نوع که در خان از کشور مستند ، امکانات

(۸۲)

عن مبارزه دارند ولی به خاطر نا آگاهی در دور و برقایای رهبران حزب توده و سازمانهای سیاسی مشابه و در واقع اخلاق حزب توده در خان از کشور جمع شده اند، روشن شوند.
ازدواستقاد بقایای رهبران حزب توده به سازمان ما شروع میکنم که اتفاقاً مسائلی اساس است. یک از این دو استقاد مربوط به عده «ترین کرفتاری و در واقع سرگرم سازمانهای سیاسی روشنگران خان از کنور است و یک دیگر هم مسئله‌ی جنبش‌کنونی خلق ما است. به نظر ما در رابطه با بقایای رهبران حزب توده و سازمانهای مشابه، بحث روی هر دوی این مسائل لازم و اساس است.

مسئله اول - اختلاط چین و شوروی:
لذتیز نیز به جدید نثارات نا درست مانند کذار مسالت آمیز "صلح اجتماعی" سازس-

ابورتو نیست با امپریالیزم و رسمیت‌گذاری صلح و غارت مستعمرات، عدم لزوم ادامه مبارزه طبقاتی در جامعه‌ی سوسیالیستیں بند و بست با محاذی مرتبی و غیر مرتبی میکند و خود به آن عمل مینماید. در میان این نظرات، چون دو نظریه نخست یعنی نظریه‌ی "کذار مسالت آمیز" و نظریه‌ی "صلح اجتماعی" با مبارزه‌ی مارتباط مستقیم دارد، ناچاریم در باره‌ی آنها به طور روشن و دقیق موخع گیری کنیم. اما سایر مسائل را چون در حال حاضر با وظیفه‌ی تاریخی - مشخص‌ها، مستقیماً ارتباط پیدا نمیکند، میتوانیم فعل احل نشده اعلام کنیم و به خاطر منافع جنبش انقلابی وطنمن باخورد اعم و جنبش کمونیست - ایران بطور اخض بیذیرم که در درون جنبش، عجالتاً نظرات مختلف در برآرد و آنها وجود داشته باشد. بدون اینکه تعین کنیم این وضع تاکی

عملی و مقتدر است .

در باره‌ی برخورد عملی با سیاست -
خارجی چین و شوروی هم به نظر ما نباید
موضع گیری حاد بوجود آید . اگر منصفانه نگاه
کنیم بینیم که به سیاست خارجی اغلب کشور
های سوسیالیست انتقاد اتنی وارد است .
ما باید شجاعانه از آنها انتقاد کیم و در این
مورود خود را به طرف خاص وابسته نسازیم
در ضمن باید بیاد داشته باشیم که آه و ناله
ی بی پشتونه تاثیری ندارد و نه در دل دوست
رخنه میکند و نه در دل دشمن . ما باید شرایطی
بوجود آوریم که عملاً حمایت کشورهای سوسیا-
لیستی از نژد ایران امکان پذیر نباشد . این مسئله
ای است که به رشد جنبش آنرا حل خواهد کرد
دوستان باید مجبور شوند روی ماحصلات کنند .
روی هم رفتگی در برخورد با کشور سوسیالیستی در
در روز جنبش کمونیست ایران می‌توان نظریات

(۸۵)

اما راجع به نظریاتی که ما مجبور به —
موضوعگیری جدی در مقابل آنها هستیم ، باید
بگوییم که این نظریات (گذار مسالمت آمیز و
صلح اجتماعی) اگرچه ممکن است شکل سویژتیو
آن کابیبردازه باشد ولی مایه و پایه ابزکتیو -
آن دقیقاً همان است که در رویزپونیس قدم بود .
بنابراین مامیتوانیم حتی در مباحثات مشاوره‌ای
کوش هم شرکت نکیم و راه درست حل این -
مسایل را مستقیماً لذین بیاموزیم . در آثار -
گرانبهای لذین به اندازه کافی نظریات " گذار
مسالمت آمیز " و " صلح اجتماعی " رسوایی آبرو -
شده است و اگر بینیم که این نظریات دوباره در
اینجا و آنجا علم من شود ، بدین دلیل است که
شرایط مادی علم شد ن آنها وجود دارد .

(۸۶)

ما است و از آن جهت آن را در برابر "انتقاد" و "پیشنهاد گفتگو" بقایای رهبران حزب توده مطرح کردیم، تا انقلاب بیون صدیقی که به پیشبر مبارزه من اندیشند و مبتقی بر این معهد اته با هر مساله ای برخورد میکنند، آنرا با سیاست دنباله روی و فرصت لیب بقایای رهبران حزب توده و سازمانهای مشابه مقایسه کنند و بدانند که آنها حتی جرایث شنیدن این حرقوها را ندارند، زیرا موجودیت سازمانشان و حتی زندگی انتصا- دی و مادری یک یاک اعضای سازمانشان را در خطر قرار خواهد داد . . .

مسئله دم - شکل سازمان انقلابی :
ما گفته ایم که یک سازمان انقلابی در ایران کون حتما باید شکل نشانی داشته باشد، و گرنه قادر به ادامه‌ی وجود و رشد نیست نیست بقایای رهبران حزب توده این نظرها را سکار پیش

مختلف وجود داشته باشد و بحث در این پاره ادامه بباید ولی این بحث باید مقید به ضوابطی باشد که به وحدت جنبش کمونیستی ما بطور اخضو جنبش انقلابی ایران بطور اعلم لطف ای نزند . ما باید در این مورد از حزب کمونیست ویتنام و کره درس بگیریم . هرگونه اندامی خلاف این و هر کوششی در جهت مناجراتی کردن بیشتر مسئله، علی‌سکاریست و نفاق افکانه است و باید محکم شود .
راجعت به تجربیات انقلاب چین و در سهای رفیق مائو هم که فکری نمیکنیم هیچ کمونیستی راهیت و درستی آن نیک نکند، زیرا تمام احزاب کمونیستی جهان، روزی آن را تا شید کرد همان هم اکنون . حتی بقایای رهبران حزب توده هم در بیامشان بطور غصی آن را تا شید نموده‌اند بهر حال، این سیاست رسمی سازمان-

نامیده اند و معتقدند که ما با این عقیده خود
بسیاری از نیزوهای انقلاب ایران را که آمادگی
قبول مبارزه مسلحانه را ندارند از جنبش جد
من کنیم .

برخلاف آنچه که بقایای رهبران حزب توده -
برداشت کرده اند و یا وانعو میسازند -
این گفته ما بهبیح وجه برای تحقیر نیروها
مختلف ابوزیسیون (مخالف رژیم) که آمادگی
لآن برای مبارزه مسلحانه را ندارند نیست بلکه
بیان یک واقعیت است . ما از انواع و اشکال
مبارزه ضد رژیم نیروهای مترقب جامعه ، از
حرکات خود بخودی توده ها گرفته تا فعالیتها
ی علمی و ادبی روشنفکران مارکسیست علیش که
به نحوی آگاهی خلق ما را با لام بوده باشند
به شرایط و امکانات حمایت میکنیم . اما این -
مسئله را هم نمی توانیم انکار کنیم که رژیم هیچگونا

فعالیت سیاسی مشکل و سازمانی مخالف خود را
را به ویژه از جانب کمونیستها ، تحمل نخواهد
کرد و با تمام قدرت خود به سرکوب آن خواهد
پرداخت . بنابراین شکل و سازمان یک جریان
سیاسی و مشکل ضد رژیم باید به صورتی باشد
که بتواند در مقابل این سرکوب مقابله و باید از
کند . این یک واقعیت انکار ناپذیر است و مسلمان
کس قادر است اکنون در ایران مبارزه سیاسی
کند که پذیرش این واقعیت را داشته باشد -
انکار این واقعیت هم نمیتواند چیزی را تغییر
دهد . فرض کنیم ما برای اینکه طرفداران مبارزات
مخفی و علنی غیر مسلحانه از مبارزه ضد رژیم
"نترسند " این حرف را نزنیم ، آنوقت چه میشود
واقعیت عینی اینان را از مبارزه بیشتر خواهد
ترساند . چرا شما که خود را حزب طبقه کارگر
ایران میدانید ، ببینیت سال است در ایران فعالیتی

ندازید و دهالس هم که خیال میگرد «اید
دارید فعالیت میکند ، آلت دست پلیس سیاست
بوده اید ؟ شما اکون کاملا از مبارزه خد -
رئیم دستکشیده اید ، ولی شهامتا برآزو اعلام
این حقیقت را ندارید . ما انکار نمیکنیم که امکان
مبارزات برآکده ای اقتصادی ، فرهنگ و سیاس
تا حدودی وجود دارد ، ولی امکان ایجاد -
تشکیلات و سازمان های سیاسی بی که بد و نمود
قراردادن مبارزه مسلحه بتواند درجهت
توده ای شدن سیر کند وجود ندارد .
بنا بر این باید سازمان های سیاسی هرچه
زود تر نظمی شوند تا بتوانند در ارتباط با
مبارزات پرآکده ای اقتصادی ، فرهنگ و سیاس
هم این مبارزات را رشد دهند و هم خود رشد
کنند . مبارزه مسلحه تبلیغ مسلحه نام دارد و اساساً
با مبارزات مختلف خلق در ارتباط است . ناکنن

شدن خواستهای کل تر کمک کنیم تا طبقه‌ی
 کارگر به لزوم سو نگون ساختن کامل نظام سرمایه
 داری و سایر اقتدار خلق به لزوم فتح کامل امپریالیسم
 برسد و از سوی دیگر محدود و پیش اشکال مبارزات
 اعتراض و تنظیمات و شکل سازمانهای صنفی -
 علنی را نشان دهیم و لزوم ارتقا به اشکال عالی
 تر مبارزه و سازمان را مطرح سازیم . بدین جهت
 باید مبارزه‌ی مسلحانه ما قدم به قدم با جنبش
 های خود به خودی و در رابطه دیالکتیک با
 آن رشد کند و توده‌ها را بدین صورت به مبارزه
 مسلحانه بکشاند . این راهی است دراز و طولانی
 که ما تازه در آن قدم نهاد « ایم تنها راه عملی
 بردن مارکسیسم - لئنینیسم به میان طبقه‌ی کارگر
 و بردن برنامه‌ی انقلاب راهی بخشنده میان -
 سایر اقتدار خلق است .

(۹۳)

آگاه خلق را در سازمان می‌پذیرم و از این طریق
 قدرت خود را برای تبلیغ مسلحانه در میان توده
 های وسیع خلق افزایی میدهیم . جلب توده‌ها
 به سوی مبارزه‌ی مسلحانه کا روی است که با پد
 بسیار با حوصله و مبتنی بر شناخت زندگی -
 و مبارزات آنها انجام گیرد . ما با پد مارکسیسم
 لئنینیسم را به میان توده‌های کارگر ببریم و برنامه
 انقلابی رهایی پخته‌ی را برای تمامی نیروهای
 انقلابی خلق توضیح دهیم . برای اینکار ما
 باید از خواسته‌های نزد پیش توده‌ها حرکت
 حرکت کنیم و بتدریج با حمایت مسلحانه از این
 خواسته‌ها و حمایت مسلحانه از مبارزات خود توده‌ها
 که برای بدست آوردن این خواسته‌ها صورت می‌گیرد
 شروع کنیم . ما باید با عملیات مسلحانه که با کار
 توضیح هر راه است از تسویی به تشریح ناکافی
 بردن این خواسته‌ها و لزوم تعمیم آنها و مطمع

(۹۴)

بد هند تا ببینید با شما چگونه "برخورد" میکنند
 اخیرا دانشجویان با استفاده از شیوه های حمله
 چریک به میتینگ و تظاهرات خلق من پرد ازند ،
 بدین ترتیب که عدد ای با یک برنامه دقیق قبل
 تذکر به نقطه ای مشخص من روند و بعد برای
 مدتن معین میتینگ و تظاهرات خشن براه من اند
 زند و سپس با برنامه تنظیم شده میگزیند .
 در یک از این تظاهرات غربی در یک محله ای
 فقر نشین که طن آن شعارهای به نفع چریکها
 داده من شد ، عددی زیاد از مردم به دانشجو
 پان پیوسته بودند و شعار ها آنها را تکرار کرد
 بودند بطوریکه دانشجویان برخلاف طرح تهیه -
 شده مدت تظاهرات را به دو برا بر افزایش دارند
 همین طور مخالف رو سفکری ، زندانیان سیا سو و
 غیره به ما تراپر های اغلب شدیدی دارند و -
 کافی است که برخورد آنان را با اعدام نیک طبع

(۹۵)

با نوجه و برنامه ها و هدف مازتبیع
 مسلحانه روش است که اتهام بقا یای رهبران
 حزب توده به ماقترابی بیس نیست . برخلاف
 این اتهام ، مانه تنہانیروهای مبارزات خلق را
 که به طور پراکند دست به مبارزات اعتمادی ،
 فرهنگ و سیاست میزنند از جنبش "عن ترسانیم "
 بلکه با حمام ایتعلی خود ، مبارزات آنها را شدید
 همی و آنها را به یک نیروی ذخیره فعال انقلاب
 تبدیل میکنند حمایت ما از جنبش های خلق حرف
 نیست ، عمل است . این را باید از خود مردم -
 پرسید ، از دانشجویان که اعلامیه های ما را با
 ابتدائی ترین امکانات خود تکثیر میکنند و حق
 در اعتمادهای علی خود بیوساز هر چیز بنام -
 ما شمار مید هند . از کارکرانیکه کار فرما و مأمور دلت
 را زنام مامیترسانند . کافی است که درینکی از
 اعتمادهای ساده دانشجویی بر علیه ما شعار

(۹۶)

بران جنگ نیستم . اما از طرف دیگر ، اگر ما
بخواهیم واقعیت را از توده ها پنهان کنم
آن وقت عوام فربین کرد ^۱ این میگرید :
"توده ها باید بدانند که بسوی
یک مبارزه ^۲ مسلحانه ، خونین و
تا پای جان میروند محس تحقیر
نسبت به مرد باید در بین توده ها
شیوع یابد و پیروزی را تضمین کند

(آ . م . لینین . ج ۱ . ق ۲۰ . ص ۲۰۰)
فرمکنیم ما هم مثل شما در یک جای امن و راحت
بنشینیم و بعد شعار بد هیم که "پیلیس زیاد بدها
ند هیب ، مبارزه سیاسی غیر مسلحانه اسکان پذیر
است ، مشکل شود " و
نتیجه این کار این میشود که عده ای از نیروهای
خلق پیهوده به زیر دشنه ای جلا د من فرستیم
و خلق را نسبت بخود من اعتماد میکنیم —

(۹۲)

و شهریاری بینند . این است اتباط ما با جنبش
خود بخودی و به طور کل مبارزات غیر مسلحانه
ی مردم ایران . خلاصه کلام ما این جنبشها را
عمل حمایت میکنیم ، آنها هم ما را و سرانجام
آنها بسوی ما میانند . ضرورت شرایط که ما داشتیم
هر مبنای شناخت آن عمل میکنیم ، شرکت
کنندگان جنبشها خود بخود را پتدربیج —
بسوی ما خواهد کشاند .

آری ، آقایان ما هم مانند شما دلمان من —
خواهد د که شرایط مبارزه آسان تر باشد تا زدن
خلف آنرا پیذیرد و بتواند بسوی آن بیا پد —
ولی واقعیت عین اجازه چنین کاری را نمی دهد
شرایط مبارزه خیلی دشوار است ، پدین جهت
افشار مختلف خلق خیلی دیگر ترمیتواند به آن
جذب نشود . اما این تنها چاره ای است که
در برابر آنان فرار دارد . ما که طرفدار جنگ

(۹۱)

ناک امپریالیم جهان و رشد شرایط عین انقلاب
 در جامعه ما است، او لا این دوره‌ی کار-
 مخلفی صرب‌گروهها و سازمانها را خیل دشوار
 و خطربنده من سازد، بنا بر این لزム هرچه-
 کوتاه هتر شدن آن را ایجاد میکند و دو ماسبب
 میشود که هر گونه مبارزه از این اتفاق
 این سازمانها و گروههای انقلابی مخفی فقط
 در رابطه با حمایت مبارزه مسلحه و در حرب
 محور مبارزه‌ی مسلحه باشد. این در مرور د
 شکل مبارزه. اما در باره‌ی شکل سازمان.
 روابط سازمان غیرنظمی، یعنی روابط که
 فقط در سایه‌ی صرف اصول پنهانکاری-
 محافظت میشود، در شرایط اختلاف جامعه
 ما سخت شکنند و خطربنده است و وقتی سازمان
 از پیک حدود معین بیشتر رشد کرد غیر ممکن-
 است این حرف واقعاً آنقدر بدیهی است که نیاز

(۱۱)

امانه، این کارمانیست. ما اعلام میکنیم که
 تشکیل گروههای سیاسی مخفی بامید کارغیر
 مسلحه در میان خلق کارغلط است و یک
 سازمان سیاسی باید هرجه زود تر نظا من-
 شود. هر کس هم قبول ندارد من توانند تحر
 به کند. این موضع از دو نظر اهمیت دارد، هم
 از نظر شکل مبارزه و هم از نظر شکل سازمان.
 اولاً یک سازمان انقلابی با کار مخالفی برآ-
 مدت نامحدود قادر به پایداری و رشد نیست
 و باید بالاخره کارتوده ای و مبارزه آشکار با
 لزیم را شروع کند. این قانون عام مارکسیستی-
 لینینیستی برآد تمام دنیا است. حال بران-
 شرایط ما این قانون عام به چه صورت در میابد
 در شرایط ما هم این حرب کاملاً درست است-
 متفاوت باشد توجه داشته که شد است اخلاق و فدره
 و نسلط بایس سیاسی که ناشی از موقعیت خطر-

(۱۲)

فرمول خیل ساده است و مسئله رون
 کاغذ کاملا حل شده است؛ اگر سازمان مخفی
 مطلقاً اشتباه نکند لوانی رود. اما متاسفانه
 این فرمول ساده قابل اجرای نیست. زیرا اولاً اشتباه
 نکردن مطلق ممکن نیست و به هر حال در مرور
 اعتماد به اشخاص، حفظ اسرار، محا فظت خود
 از دید پلیس سیاسی وغیره اشتباه نمیدهد.
 دوماً ممکن است ما اشتباه نکیم و اشتباه دیگران
 دامن ما را بگیرد، مثلاً همسایه خانه مسکونی -
 ما وغیره. سوماً ممکن است بدون اینکه اشتباهی
 از کس سرزد باشد، یک اتفاق ما را در چارختر
 سازد که ما را تغییب بدش کنند یا خانه مان را
 بگردند وغیره. در چنین مواردی چه باید کرد؟
 مسلم است که اگر سازمانی نظامی نباشد تنها
 یک مورد اشتباه یا اتفاق کافی است که غربه‌ی
 بسیار شدیدی به آن وارد آید و یا حتی آن را

(۱۰۱)

به توضیح ندارد ولی بقایای رهبران حزب توده
 خود را به جهالت کامل و مطلق میزنند و جواب
 من دهنده:
 "بدون استنام کروهه^۳ انقلابی که -
 به چنگال در خیان ساواک و پلیس -
 انتقام اند تنها و تنها بر اثر سهل -
 انگاری در برگردان افراد جدید -
 بن می‌لائی در حفاظت اسناد اطلاعات
 سازمان مخفی، کشاد بازی در فعالیت -
 مخدن بی شوجه به امکان شفعت پا
 خیانت یا تلاهر و خود نمائی برسن -
 وابستگان سازمان انقلابی بوده است
 همه ن اینها در صورت نظامی شدن پنهان
 کروه نظامی انقلابی میتواند بهماین -
 نتایج درد ناتسته شود .
 (نقل از "پیام حزب توده" ۱۰۰)

(۱۰۰)

فرنگیم که این امر محال ممکن شده یعنی -
 اصلاً ماخودمان اشتباه نکردیم ، اشتباه کسی دیگر
 هم دامن مارا نگرفت و اتفاق بدی هم خارج از
 اراده‌ی ما پیش نیاید و موفق شدیم که یک سازمان
 بورکراتیک زیرزمینی درست کیم ، آن وقت چه ؟
 این سازمان چه باید بکند ؟ بکدام شکل از مبارزه
 باشد ؟ نظامی بودن سازمان فقط
 به خاطر امنیت آن نیست ، بلکه به خاطر شکل مبارزه
 روزه‌هم نیست . ولی بقایای رهبران حزب توده با
 تردستی خاص شکل مبارزه را از قلم می‌اندازند .
 خیلی جالب است که بقایای رهبران حزب توده
 در جواب حرف ما که گفته ایم در شرایط -
 جامعه‌ی ما و شرایط مشابه ، نمی‌توان درینامه
صرف اصول پنهانکاری سازمان را حفظ کرد
 و رشد داد ، این عبارت را از لینین بطور شکسته
 و پسته نقل کرد مانند که "در شرایط اختناق سیاسی

(۱۰۳)

نایبود کد چون چنین سازمانی امکانات مانور
 سریع برای دفع ضربه را ندارد . حوادث که
 معمولاً برای ما پیشنهاد آید و سبب یک درگیری
 و درنهایت شهادت یک یا چند رفیق واژد است
 رفتن مقداری از امکانات مادی سازمان می‌شود
 اگر برای یک سازمان غیر نظامی پیش‌بیاید ، در
 حکم یک فاجعه نایبود کنده است . پس این -
 حرف بقایای رهبران حزب توده که "در صورت
 نظامی شدن گروه به همان نتایج
 درد ناک منتهی می‌شود" یک نتیجه گیری متافیزیکی
 پیش‌نیست .

تازه پس از این همه حرف‌ها ، بقایای رهبران
 حزب توده مسئله‌ی اصلی را مسکوت گذاشتند .
 این استدلال اگر بر فرض حال درست هم باشد ،
 فقط در باره‌ی شکل افتینی سازمان است ،
 در باره‌ی شکل مبارزه چه ؟

(۱۰۴)

یعنی اصول غیرنظامی و غیرمسلحانه پنهان
 نگاری را بین در در در و رهی قبل از جنبش سیاهکل.
 ولی منظور لغتین از "اصول پنهانکاری" اشاره
 باصول کار مخفی بطور کلی یا بعبارت دیگر
 اصول ایجاد و حفظ سازمان مخفی بطور کلی
 است. کافی است که حرف ما و حرف لغتین رادر
 رابطه بامسائلی که گفت این حرفها را سبب
 شده مطرح سازیم، نه بطور جدا و منفک از
 واقعیت عینی "عبارت" صرف اصول پنهانکاری"
 را نخستین بار رفیق پویان در گفتگو درباره‌ی
 لزم دفاع مسلحانه و تعریف مسلحانه بکار برد.
 پسروشن است که او به اصول مشخص پنهانکاری
 در شرایط مشخص قبل از مبارزه‌ی مسلحانه توجه
 داشته و آن را کافی ندانسته، زیرا گفته است که
 در شرایط جامعه‌ی ما دیگر در بنهانکاری اصول
 پنهانکاری حفظ و رشد سازمان ممکن نیست.

(۱۰۵)

حفظ سازمان مخفی انقلاب تنها و تنها بر
 پایه‌ی رعایت همه جانبه‌ی اصول پنهانکاری
 میسر است" (نقل از پیام باد شد) هی حزب
 توده ا خوب، این هم یک نوع آموزش و کاربرد -
 لغتینیم است. تطبیق لغتینیم بر شرایط حساس
 بر اساس منطق صوری "ما گفتم درینا صرف اصول
پنهانکاری" ممکن نیست، لغتین گفته است تنها
 و تنها بر پایه رعایت همه جانبه‌ی اصول پنهان
نگاری ممکن است" پس لابد ما خد لغتین هستیم
 این است نتیجه گیرن خلا ق بقا یا رهبران
 حزب توده از لغتینیم. اما پایه گفته "رجقدرم
 غیر جدی باشد میتوان آنرا مورد تحلیل قرار
 داد. بسیار خوب این کار را میکنم" .
 منظور ما از "صرف اصول پنهانکاری" نقاعت کردن به اصول مشخص پنهانکاری‌ها ی
 راج در شرایط مشخص از تاریخ وطنمان است.

(۱۰۴)

وجود آنرا در پناه "رعایت همه جانبی اصول پنهانکاری" ممکن دانسته است . بهر حال در این مسئله شک نمیتوان داشت که منظور لینین از "رعایت همه جانبی اصول پنهانکاری" ر این گفته اشاره به اصول ایجاد و حفظ سازمان - مخفی بطور کل است و حرف او هیچ منافاتی با حرف ما ندارد و ما آنرا کاملاً قبول داریم . اینکه رفیق همیشه مسلح است تا بتواند دستگیر نشود و یا لااقل زنده دستگیر نشود بمعنی این است که او "رعایت همه جانبی جانبه اصول پنهانکاری" لینین را قبول دارد و با خون خود پای آنرا امضا میکند . اینکه در خانه های جمعی سازمان ما رفقاء تا صیغ نگهبان میدهند و وقتی پلیس - حمله میکند ، رفیق میهاند تا در بناه آتش مسلسل اورفقاء دیگر گیریزند ، این بعد معنی "رعایت همه جانبی اصول پنهانکاری" لینین تا پای جان است . و این

(۱۰۲)

حال ببینیم لینین حرف خود را در کجا و در جواب بجهه مسئله ای گفته است . متأسفانه بقا یای رهبران حزب توده ، عمدتاً یا شهوا نکته اند که گفته لینین را از کجای آثار آن برداشته اند ولی با توجه به - محتوا آن میتوان گفت که این حرف لینین در جواب انحلال طلبان گفته شده است در نوشته های لینین برعلیه انحلال طلبان گفته شده است در نوشته - های لینین برعلیه انحلال طلبان ، جملات بسیاری با همین مضمون و با الفاظی دیگر میتوان یافت . قضیه بدین صورت است که پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ ، دسته های بی ازابور تو نیست های رنگارنگ روسیه معتقد بودند که حزب مخفی ضرورت ندارد و حفظ آن ممکن نیست و باید آن را به یک حزب آشکار و یک "ابوزیبون قابل تحمل براي تزار" تبدیل کرد . لینین در جواب این دسته ها که "انحلال طلبان" نامیده می شدند چنین حرف را گفته و بر لزیم حزب مخفی تا کید کرد و

(۱۰۶)

است سر شنکست ناپذیری لنینیزم . هن بینید که لنینیست بودن به چیزی بیشتری از قبول - لفظ آن نیازمند است .
 جالبترین نکته‌ی این مسئله این است که چنانکه گفتم لنین این حرف را در جواب انحصار طلبان که طرفدار حزب آشکار به عنوان بد "ابوزیسین قابل تحمل" بودن گفته است در حالیکه بقایای رهبران حزب توده این حزب را در جواب چریکهای فدائی خلق میگویند . این دیگر واقعاً یا حماقت مطلق است ، یا شیادی ناشیانه .

یک از ایرادهای دیگری که بقایای رهبران - حزب توده بر مبارزه نما میگیرند این است که میگویند عمل ما این بهانه را به دشمن میدهد که به مراقبت سبعانه تر بر علیه مبارزان به پیش رود . این ادعای بقایای رهبران حزب توده

از نظر شیوه استدلال متفاوتیکی و از نظر -
 مایه‌ی فلسفی ایده‌آلیست است . نخست ما ، یعنی سازمانهای سیاسی نظامی موجود ایران و دستگاه دولت را بعنوان دو پدیده ای مطلقاً مستقل و بن ریشه در برابر هم قرار داده اند و چنین نتیجه گرفته اند که این - عمل و عکس العمل مایعنه این دو پدیده‌ی - کاملاً مستقل ، بر روی یک دیگر است که تاریخ را - میسازد . در اینجا ، همتوده های مردم از محاسبه بقایای رهبران حزب توده خارج شده اند ، هم طبقه‌ی حاکم و امپریالیسم جهان . مسلماً اگر یک مارکسیس بخواهد این مسئله را بررسی کند ، نخست از خود من پرسید دولت ایران با توجه به ماهیت و منشا اجتماعی انس در مقابل چریکها چه میتواند بکنند و ملا فاصله د و جواب بد رمقابل سوال خود مینیابد ، بدین صورت .

شرایط عینی انقلاب است اورا و میدارد در
 این وعده هاهزارها برآور آنچه که انجامش برای پس
 ممکن است اغراق کند وغیره . آنوقت نتیجه‌ی -
 این کار چه میشود ؟ حتی در محدودترین -
 اعتصابات صنفی دانشجویان به نفع چریکها
 شعار داده میشود ، آن هم شعار پیکارچه ، نه
 جسته و گریخته ، کارگران با نام چریکها کارفرمای
 خود و مامور دولت را من ترسانند که "نگذارند
 قضیه‌ی فاتح پیش بباید "نیروهای پیشرو خلق
 چنان بسوی چریکها هجوم می‌ورند که ساز
 مان چریکی حتی قدر زنیست پیک دهم آن را هم
 سازماند هن کند .

حال آقایان بقایای رهبران حزب توده
 شما بما جواب بد هید ببینم کدا میک از دو
 حالت یاد شده در ایران اتفاق افتاده است ؟
 شما البته لئان میخواهد که حالت اول اتفاق

اگر شرایط عینی انقلاب نرسیده باشد که دولت
 میتواند با گشاده دست به مردم آزادی های
 دموکراتیک بد هد ، احزاب سیاسی را آزاد کد
 آزادی اعتصاب بد هد ، آزادی مطبوعات بد هد
 وغیره و بدین وسیله چریکها را هرجه بپشت -
 منفرد کد و بعد با پوشش مختصر از بین ببرد
 اما اگر شرایط عینی انقلاب نرسیده باشد ، دولت
 نه تنها این کار را نخواهد کرد ، بلکه هر معارض
 را بجمله همکاری با چریکها تحت فشار قرار میدهد
 صفو خود را متسلک و پیکارچه میکند ، حزب -
 واحد بوجود میاورد ، رسما اعلام میدارد که -
 جای کمونیست‌ها یا زندان است یا خان از
 کشور میکوشند از طریق رفمن های انتصادی توده‌ها
 را القال کد ، مانند وعده‌ی تحصیل مجانی -
 بهداشت مجانی ، فروش سهام کارخانه‌ها به
 مردم وغیره که البته و خامت و نفع او که همان رشد

شدیدی متول شود و بدین طریق
وسایل بیش از بیش نبیرو مندی برای
حمله تهیه من نماید "

(م . لنجن . ج ۱ ، ق ۲ ، ص ۱۹۱)
خوب، حتماً این سوال پیش می‌آید که ما
باید در مقابل این امر چه کنیم . برای بقا یا
رهبران حزب توده هم لابد این سوال مطرح
است، پس گوش کنید، لنجن ضمن مطرح ساختن
این حرف مارکس در جوا بهمگوید: باید شمشیرها
راتبیز کرد "مجموع این کفتگوها این سوال را برای
مامطرح می‌کند که براست بقا یا رهبران حزب توده
چه میخواهند؟ آنها ادعا می‌کنند که حزب
طبقه کارگرند و معتقدند که میتوانند یک -
سازمان مطلقاً مخفی و بدون هیچگونه مبارزه
آشکاری ایجاد کنند . اما بینیم آنها چنین
سازمانی را فقط در خیال خود شان میتوانند

(۱۱۳)

بیفتند تا خودتان بیک "ابوزیسمون اعلحضرت" یا
"ابوزیسمون قابل تحمل" تبدیل شود و لی
واقعیت برخلاف میل شما است و همه من —
بینند که حالت دم اتفاق افتاده است . خودتان
هم به این موضوع اعتراف دارید و با آن و ناله آن
راتائید کرده اید . بد نیست یکباره پکر حرف
خودتان را بشنوید :

"در این صورت تنها بد شمن این
بهانه داده میشود که بمراتب —
سبعانه تر بر علیه مبارزان پیشورد
(نقل از "پیام حزب توده" ۰۰۰)
مارکس بنا هشدار میدهد که :

"انقلاب صعن پیش روی خود بیک
ضد انقلاب بهم فشرد و محکم را به
وجود میاورد، یعنی دشمن را مجبور
میکند بوسایل تد افعن بیسان بیس

(۱۱۴)

لینین چه خوب میگوید :
 " خیال پرست بهره‌ی ضعفا است " بدون شک
 برای یک مارکسیست همشه امکان مبارزه وجود
 دارد، منتها در هر زمان باید بشکل مبارزه
 کند . پس یک مارکسیست هرگز از بود و نبود امکان
 مبارزه حرف نمیزند ، بلکه از شکل لازم مبارزه گفته
 میکند ، اما بغایای رهبران حزب توده میخواهند
 در خارج از کشور و در ورزش سترنیلیس فاشیست
 در رسته‌اند رهبران حزب کمونیست پرتغال ، موجود بیت
 خود را حفظ کنند تا اینکه " در رگاه معین " امپریالیسم
 شیوه‌ی حکومت خود را عوست کند و با آنها امکان
 مبارزه‌ی قانونی را بد هند و آنها چون " وزنه‌ی
 سنگین در صحنه‌ی مبارزات علنی جامعه جای
 گیرند " بعد چه ؟ اینجا پسرا دیگر بقایای -
 رهبران حزب توده نمی‌گویند ما بقایا را باید
 خود مان اغافه کنیم :

(۱۱۵)

وجود داشته باشد و را تعییات عین نیز بارها
 اپن را ثابت کرده است ، برای چه میخواهند ؟
 موضع را از زبان خود شان بشنویم :
 " نمونه یونان تجربه‌ی پرتغال
 را تکمیل کرد . هم در پرتغال
 وهم در یونان در وران طولانی
 اختناق پلیس حکمرانی بود و احزاب
 کمونیست و سایر نیروهای انقلابی این
 کشورها هیچکام نظامی نشد " بودند
 ولی توانستند با تمام و حشیکیهای پلیس
 فاشیست موجود بیت خود را حفظ کنند
 و در رگاه معین بعنوان یک وزنه‌ی
 سنگین در صحنه‌ی مبارزات علنی -
 جامعه‌ی خوب را جای گیرند "
 (به نقل از " بیام حزب توده " به)

(۱۱۶)

بعد س هم که اوضاع خیلی شلوغ شد و امپرالیسم
احساس خطر کرد، باز هم شیوه‌ی حکومتی خور
را عوشنمیکند و این بار تجربه شیلی تکرار میشود
شاید تصور شود که این مسایل آنقدر روشن نیست
است که نیاز به گفتگو ندارد اما نه بگذرید برای
آن عده‌ی محدودی هم که فریب بقا یا رهبری
حزب توده و سازمانهای مشابه را خورد ه ایند
روشن شود :

اصولاً دموکراسی بورژواشی شکل ظاهری دیکاتوری

توري بورژوازی برپرولتاریا است .

همانطور که "مزد" در جامعه سرمایه داری
شکل زینت یافته و آرایش شده ای از "جیره"
ای است که در جامعه برد ه دارد به برد ها
مید هند، همانطور که "جبیر اقتصادی" "جامعه هی
سرمایه داری، شکل پوشیده و پیچیده ای از
"جبیر غیر اقتصادی" است که در جوامع برد ه

(۱۱۶)

داری و قشود الى اعمال میشود، همانطور هم رو -
بنای سیاسی سرمایه داری، یعنی دموکراسی
بورژواشی زینت یافته ترین، پوشیده ترین، و
پیچیده ترین شکل دیکاتوری در تاریخ است .
بعضی اینکه بورژوازی در وضع خطرناک قرار گیرد
واحساس کند که رنگ و لعاب و آرایش دیکاتوری
اش برای او در سر ایجاد میکند، پلا فاصله
عنیان میشود و ماسک از چهره برمیدارد .
در واقع دیکاتوری غاشیست همان دموکراسی
بورژواشی است و ماهیت آن با آن فرق ندارد
 فقط چهره اش عوشه شده زیرا طبق اصول مارکسیزم
دولت ماشین سرکوب طبقه ای بوسیله ای طبقه -
ی دیگر است . لذین میگوید که بورژوازی دیکتا
توری خود را "در زمان آرامش خیلی دقیق و ظرفی
و در موقع طوفانی با خشونت سبعانه ای انجام
مید هد "(آم لذین، ج، ۱ق ۲ ص ۱۳۴)

(۱۱۷)

حت لنبن از این هم فرا تر میزود و میگوید :
 "هرچه دموکراسی کامل تر باشد
 بهمن نسبت هم بهنگام پیش آمد
 هراختلاف سیاسی عیقی که برای
 بورژوازی خطرناک باشد ، به
 تالا نگری یا به جنگ داخلی نزدیک
 تر خواهد بود ."

(آم لنبن ، ج ۲ ق ۲ ، ص ۵۶)

این درباره اصول کل قضیه ، حال بینیم
 در پرتغال چه اتفاق افتاده است :

بورژوازی حاکم ، مستعمرات کهن خود را رها
 کرد ، چون دیگر نگهداری آنها برایش ممکن -
 نبود . اصرار بیشتر رسرکوب نخشون جنبشها از
 سوی فقط میتوانسته این جنبش هارارد یکالترا
 کندواز سوی دیگر پرتغال توان ادامه ای جنگ
 راند اشته . امپرالیسم جهانی هم موافق این

(۱۱۸)

(۱۱۹)

موضوع بود ، چون تصور میکرد « اگر زود تر -
 چنین اندامی صورت بکیر تبدیل مستعمرات
 به کشورهای واپسیه و نیمه مستعمر « امکان پذیر
 تراست . رها کردن سیاست مستعمرات کهن -
 سبب شده که ایجاد دموکراسی بورژوازی در داخل
 کشور هم امکان پذیر باشد . چون ستمگر به
 شیوه ای کهن نیاز به شیوه ای حکومت کهن
 داشته . برخلاف تصور ابورزیست های -
 خیال پرست ، این کار با محاسبه ای دقیق هم
 انجام گرفته :

حکومت جدید میدانسته که در نهایت ، مردم
 به خیابان میزند و شلوغ میکنند و باصطلاح
 مبارزه رشد میکند . اما کارشناسان امپرالیسم
 بخوبی میدانند که این ها چیز مهمن نیست ،
 زیرا رشد واقعی مبارزه ای گرفتن صرف اعتراض
 نیست ، بلکه رشد سازمانی مبارزه است .

شد «پوشیده» و پیچیده‌ی دیکتاتوری بورژوازی
 بر پرولتا ریا) با استفاده از امکانات قانونی
 آن بکوشنند ماهیت آنرا برای توده‌ها روشن
 سازند . یعنی بطور خلاصه ، باشرکت وسیع و
 همه جانبیه در مبارزات علنی ، محدودیت —
 تاریخی و عدم ثمر بخشی نهایی این مبارزات
 را به توده هانشان دهند و لزوم سرنگون کردن
 حکومت رامطح سازند . لnenin با رهاگته استکه
 کمونیستها باید در پارلمان بورژوازی شرکت کنند ،
 منتها به منظور تبلیغ و نشان دادن ماهیت پارلمان
 بورژوازی ، نه بخاطر شوکت در حکومت .
 یک وکیل کمونیست در یک مجلس بورژوا یا یک وزیر
 کمونیست در یک دولت بورژوا مهره‌ای از ماشین
 حکومت بورژوازی بین نیست . کمونیستها باید به
 مردم بگویند که برای سرنگون کردن بورژوازی باید
 در نهابت به قدرت اسلحه متکن بود ، و باید به

(۱۲۱)

اما سازمان رهبری کنندۀ مبارزه کیست ؟ مثلا
 حزب کمونیست پرتغال است که بسادگی میتوان
 آنرا بیک "اپوزیسیون قابل تحمل " تبدیل کرد .
 سیزده درصد کرسی‌ها در پارلمان هم مال —
 او ، دیگر چه میخواهد ؟ من بینیم که بخوبی
 و خوش ، دموکراسی بورژوازی ، یعنی دیکتاتور
 ری تزئین شده و پوشیده‌ی بورژوازی جانشین —
 دیکتاتوری عربان و خشن که دیگر هیچ لزوم
 هم به وجود نمی‌بینیم من شود . وزیرالاسپنولا
 وزیرالگومن که ۴۰ الی ۵۰ سال جنا پتکار
 فاشیست بود و اند پیک شبه سوسیال دموکرات
 من شوند و رهبری نیروهای آزاد بخواهند درست
 میگیرند . طبعاً این سوال پیشنهادی که وظیفه
 کمونیستها واقع در مقابل این جریان چیست ؟
 چنانکه لnenin می‌اموزد ، کمونیستها واقعی باید
 در شرایط دموکراسی بورژوازی (یعنی شکل تزئین

صورت میماند . اما اگر تعادل بهم بخورد و سروصدای مردم زنگ خطری را بنوازد آن وقت همین آقای وزیرالگومنش که ۴۰ یا ۵۰ سال - جنایت کارفاشیست بونه است ، دوباره سوسیال دموکراسی را راه‌امیکند و چکمه های پسرامیو شد . آنوقت رهبران حزب کمونیست چه میکنند ؟ به اریای شرق و غرب میگیرند . مردم چه میکنند ؟ سینه‌ی پرهنه شان در مقابل سرنیزه‌ی سربازان کومونیست قرار میگیرد . آن وقت است که مردم با خود میکویند (چرا مارا برای مقاومت سازمان ندادند چرا دستمان خالی است و چرا ابتکار عمل بدست آنها افتاد ؟) . یعنی همان حرفهمائی که - پس از ۲۸ مرداد ۲۲ مردم ایران در پیشست سر شما گشتند ، آقایان بقاپایی رهبران حزب‌بود موهمان حرفهمائی که کارگران شیلی هم اکنون میگویند و همان حرفهمائی که مردم اند و نزی پس از سقوط

(۱۴۳)

مردم بگویند که بولنوازی اگر در خط‌تر قرار گیرد بخشن ترین وضعی نیروی خلق را سرکوب میکند باید - به مردم بگویند که بین دموکراسی بورژوازی و دیکاتوری فاشیست فاصله‌ی بین‌دان وجود ندارد و این دوی توانند در صورت لزوم یک شبه بهم تبدیل شوند . اما حزب‌کمونیست پرخال بینی و چه در این فکر‌ها نیست بلکه شوق زده در تلاش است که هر چه بیشتر در - قدرت دولت بولنوازی سهیم‌گشند و دنیا را مان بولنوازی کرسی بیشتری به دست آور . بهمار خوبی حال از این پ بعد چه میتوشد ؟ اگر تعادل بهم بخورد ، این بیرون غافل و سر برآ چون مهره‌ای در مانشین دولت بولنوازی انجام‌والفه کند ، اگر شد تصاده‌های میش جامعه به حدی - ترسیده باشد که جنین خلق ابتکار عمل را ازست رهبران ایرونوتیست خود خارج کند ، واسع بین

(۱۴۴)

هماهنگ و یکپارچگی بین جناحهای مختلف
 حکومت ایجاد میکند و میکوشد بقیه صداها
 را هم هرجه پاشد خفه کند . در بین کارشناسان
 سان رئیس و کارشناسان ارباب او هیچ احتمال پیدا
 نمی شود که تصور کند برترایط تکونی به صورت
 دیگری هم میتوان برایران حکومت کرد .
 از نظر شرایط ذهنی انقلاب هم اکنون
 دیگر ماجهود داریم واز هرگونه امکان مبارزه
 علیم ، ما و هواداران ما هم استفاده خواهیم
 کرد و یک دوره‌ی هرچند موقت دموکراسی
 بجزئیات را به سود مند ترین تجربه برای
 خلق خود و برای رسوا کردن اپورتونيست‌ها
 تبدیل خواهیم نمود ، در حالیکه اسلحه‌ی
 خود را زمین نخواهیم گذاشت و آماده‌ی
 استقبال از زیارت پیشوشه هم هستیم و خلق را
 برای این کار آماده میکیم .

(۱۲۵)

سوکار نوزدهم
 حال پس از این همه حرف‌ها بد نیست خیال
 بقاپای رهبران حزب توده را از همه سوی
 راحت کم و بکوشیم که در ایران دیگر از این
 خبرها نیست . ما این مرحله را یک پارازیت
 کذراند ، این و تاریخ دیگر تکرار ننمی شود . از
 سوی رشد شرایط عینی انقلاب ایران یخدای
 است که وجود دیکاتوری ناشیست . حاصلرا
 برای حفظ طبقات حاکم دقتاً الزام آوریں
 سازد : در طول حکومت ۲۶ ساله دیدم که جند
 بارگش خفتان را کاهنده‌داند و دیدند که وضع
 خطربنگ میشود ، باز افزایش دادند . اکنون هم
 من بینم که جگونه حکومت دارد پایه‌های -
 تشکیلات سیاسی خود را مستحکم من سازد
 و چگونه نیروهای را مشکل میکند .

حزین واحد برای تنبیه کادرها ، تقسیم پستها

(۱۲۶)

آمده است و خلق دارد بان روی من آورده
 در حالیکه در پرتوخال حزب کمونیست و احزاب
 ترقیخواه دیگر فقط یک رشد کاذب کرد ماند
 و یک شبیخون کوچک میتواند کاملاً تاریخ ایران
 کند . بهر حال ، مسئله از دو حال خارج نیست
 یا در پرتوخال شرایط عین انقلاب هنوز فرا هم
 نیست که در این صورت آرزو کردن چنان شرایط
 چه معنایی میتواند در برداشته باشد و یا -
 شرایط عین انقلاب در آنجا دارد غواص میشود
 که در این صورت ، خلق پرتوخال باید تجریبه ی
 بسیار تلن را از سر بگذراند . اگر عن خلق بی
 سلاح پرتوخال بدون اینکه بر اجتناب ناپذیر
 بدون تغیر وضع کوئی آگاه باشد و بدون این
 که هرای مقاومت در مقابل شبیخون آیند می
 دشمن آماد شده باشد و سازمان یافته باشد
 به خیا بانهار بخته است و حزب کمونیست بورتونیست

(۱۲۲)

با این حساب هیچ دلیلی وجود ندارد
 که امپریالیسم در کشور ما دست چنین قماری
 پژند . شرایط کشور ما با شرایط پرتوخال فرق
 دارد . در کشور ما امپریالیسم به خشونت
 فاشیست نیاز حیات دارد . خاصه اینکه ایران
 در منطقه دارای موقعیت کلیدی است و برخ
 نگهبان امپریالیسم در خلیج فارس نیز هست .
 باید پرسید که چرا بقایای رهبران حزب
 توده آرزوی شرایط پرتوخال را دارند ، در حالی
 که کشورها اولاً شرایط عین انقلاب باز پرتوخال -
 آماده تر است ، درست باین دلیل که در ایران
 دموکراسی بورژوازی امکان ندارد ولی در پرتوخال
 امکان دارد . دو ما در ایران شرایط ذهنی
 انقلاب (سازمان مبارزه) دارد با یک زیر
 بنای مستحکم و ضریب ناپذیر به وجود من آید .
 در کشور ما نطفه های مبارزه مسلحانه بوجود

(۱۲۶)

پرتوال به آنها نمیگوید که مارکس گفته است ،
اگر امکان پیروزی پرولتا ریا در
انتخابات پارلمان بورژوازی وجود
داشته باشد ، بورژوازی جنگی
براه خواهد اند اخت که په راتب
از جنگ پرده دار ان بی رحمانه تر
است (نقل بمعنی از اظهار نظر
مارکس در باره ای انقلاب صلح آمیز
در آمریکا و انگلستان) .

ونع گوید که انگلیس گفته است :

" انقلاب عملی است که در آن
بخش از اهالی اراده ای خود را
بوسیله استعمال شنکن ، سرنیزه ره
وتوب ، یعنی با وسائل فوق العاده
با اتوبوته به بخشی دیگر تحمیل می
کند و حزب پیروزمند بالشروعه -

ناچار است سیاست خود را از طرق
رعب و هراس که سلاح وی در دلها
مرتجعین ایجاد میکند حفاظت نماید
(به نقل از آم. ل. ج. آق. ۲۴ص)

و به آنها نع گوید که لذین گفته است ،
" مرگاه لزوم یک جنگ فد اکارانه پیک
جنگ خونین و نابود کننده را که
وظیفه ای مستقیم عملیات آینده است
از توده ها مسترداریم هم خود
را فربعداده ایم ، هم توده های
خلق را " (آم. ج. ۱، آق. ۲۴ص ۱۹۶)

ونیز گفته است ،

" سراسر انقلاب ، مبارزه و آنهم -
مبارزه ای تا پایی جان است "
(آم. ل. ج. ۲ ق. ۲ ص ۸۷)

آری حزب کمونیست پرتوال به کارگران -

حال ببینیم پیشنهاد " همکاری " آنها چیست؟
 ما در سراسر پیام بقا یای رهبران حزب
 توده با دقت جستجو کردیم و هیچ پیشنهاد
 علمی پیدا نکردیم . اما در جمله‌ی چند پهلو
 یافته‌یم که میتوان نتیجه‌های پنهان آنها را از
 روی آن خواند :

"ما صادقانه به مبارزه‌ی شما با
 دیدی تحسین من نگیریم ، در
 عین حال با برخی از شیوه‌ها —
 نی که شما برای رسیدن باین هدف
 انتخاب کرده‌اید موافق نیستیم "
 (به نقل از " پیام حزب توده ")
 ما استفاده از هر شیوه مبارزه
 را که به روشنگری اجتماعی و آمادگی
 عظیم زحمتگذان و سایر قشرها داشتیم ،

(۱۲۱)

نمیگوید که تا کون هیچ کشوری در جهان از
 راه مسالمت آمیز به سوسیالیزم نرسیده است
 و هیچ دلیل وجود ندارد که پرتفعال بعنوان
 نخستین کشور بتواند از این راه به سوسیالیزم
 برسد .

براستن چه چیز پرتفعال برای بقا یا
 رهبران حزب توده حال است؟ بدون شک
 کرسیهای پارلمان و مزا یای خارج مبارزات قانونی
 آن . بدین دلیل است که آنها من خواستند
 باتیمسار بختیار ، جلال آدمک . معامله کنند .
 لابد بقا یای رهبران حزب توده در وجود تیمسار
 بختیار زنرا اسپینولا وزنرا گومشیر امید دیده اند .
 باری آنچه در این پخش گفته شد ، در
 باره‌ی " بقا یای رهبران حزب توده " و انتقادات
 این سازمان سیاسی سیاست روشنگری به ما بود .

(۱۲۰)

شیوه‌ها کدام است؟ چرا مسئله را روشن و صریح
 مطرح نکردند؟ آیا آنها عالمدآ مسئله را گذشت و
 میهم مطرح نساخته اند تا قابل تعبیر و تفسیر
 های دیگری هم بتوانند باشد؟ آیا ذره‌ای شجا
 عت انقلابی میتوان در این گفته پیدا کرد؟
 اگر گوینده‌ی این کلمات یک مارکسیست سنتیست
 صادق بود، صریحاً و بدون پرسش پوشی میگفت که
 با چه چیزی ما موافق است و با چه چیز مخالف،
 تامسئله قابل تفسیر و موضع عور کردن نباشد و
 جایی برای سیاست بازی شیاد انه باقی نماند.
 در جمله دم نیز همین ابهام عمدی و سیاست
 بازانه وجود دارد. بقایای رهبران حزب
 توده گفته اند که با "هر شیوه‌ی مبارزه"
 که به "روشنگری اجتماعی و آمادگی" خلق کمک
 کند موافقند. این حرف بدین صورت کلی،
 که اصلاً گفتن ندارد، زیرا هیچ مارکسیست-

(۱۳۲)

مل برای نبرد کمک کند و در جریان نبرد -
 بتوانند دشمن را ضعیف سازد و امکان تنظیر
 عدم رضایت توده‌های وسیع را به وجود بیاورد
 درست میدانیم" (به نقل از پیام حزب توده)،
 معنی این حرفها چیست؟ بقایای رهبران
 حزب توده به چه جنبه‌ای از کارما به دیده
 تحسین "مینگرد؟ فقط به فداکاری ما یا جنبه
 های دیگری از راه و روش‌ها را هم قبول دارند؟
 در این صورت آن که ام جنبه از مبارزه ما
 است؟ اما بقایای رهبران حزب توده میگویند
 "با برخی از شیوه‌هایی که ما برای رسیدن
 به هدف" برگردیده ایم مخالفند.

از این کلمات چنین فهمیده من شود که راه و
 روش‌ها را به طور کلی قبول دارند و فقط با -
 برخی شیوه‌های "ما مخالفند. بسیار خوب آن

(۱۳۲)

آنها بعد ها میتوانند با استناد به همین دو جمله خود، هم ادعا کنند که از مبارزه‌ی مسلحانه دفاع کرده‌اند و هم بگویند که منظورشان از - "هر شیوه‌ی مبارزه" که "به روشنگری اجتماعی و آمادگی" خلق کمک کند، مبارزه مسلحانه نه بوده است، زیرا قبول نداشته اند که مبارزه‌ی مسلحانه به این کار کمک میکند.

اما در اینجا این سوال باقی میماند که - بقایای رهبران حزب توده چه منظوری سیاست منسخن از این گفته‌های خود دارند؟ چرا آنها مبارزه‌ی مسلحانه را تائید میکنند؟ آیا این فقط بد ان دلیل است که اپورتونیست‌ها به هر قدر احترام میگذارند و در مقابل آن سرتعمیم به زمین فرود می‌ورزند و اکنون نیز در یافته اند که جنبش مسلحانه‌ی وطن ما قدرتی غیر قابل انکار است؟ پس چرا راه گزین برای

لنینیست و حتی انقلابی دموکراتی نمیتواند عکس آنرا ادعا کند. همه مارکسیست - لنینیست‌های ادعای انقلابی لفظی هم این حرف را من زند که "با هر شیوه‌ی مبارزه" که به "روشنگری و آمادگی" خلق کمک کنند موافقند، منتها وقت مورد مشخصه‌بین می‌اید، آن وقت یا قلب واقعیت میکنند و یا از اظهار نظر صریح طفره میروند پس باید بقایای رهبران حزب توده در اینجا روشن میکرند که آیا در شرایط کنونی با مبارزه - مسلحانه‌ی ما موافق هستند یا نه. چرا آنها مسئله‌ی مشخزو معلم را رها کرده‌اند و در عوضیک حرف کلی پادر هوا زده‌اند که - قابل تعبیر‌ها می‌نشاند است؟

جواب کاملاً روشن است بروای اینکه در هر زمان به سادگی بتوانند مبنی بر "شرایط" و میثمن بر عکس العمل ما حرف خود را کاملاً غیر کنند

(طرح برنامه حزب توده ایران فروردین ۵۲)

و در سان دیگر همان برنامه میگوید :

"حزب مادر ایران مبارزات مشخص

خود از تظری و رئیس ارد که در دیروز طبقات

حاکمه ایران، کروهها و عناصری وجود دارند

که ناظر با وضع احوال و تحول شرایط میتوانند

از این یا آن موضع ترقی خواهانه، از این یا آن

شعار غد امیرالیست، از این یا آن خواست

د موکراتیک پشتیبانی نمایند. به همین جهت

حزب ما استفاده از تعداد هاوشکاف های داخل

پایگاه اجتماعی رژیم رانیز مردم توجه قرار میدهد

باید پرسید، کسانیکه میخواهند برای

حقوق و آزادی های تصریح شده در قانون

اساس مبارزه کنند و برای این کار آمادگی خود

را برای سازن با برخی کروهها و عناصر "طبقات"

حاکمه ای "ایران اعلام داشته اند، بسکونه

(۱۳۷)

خود باقی میگذارند؟ آیا این فقط بدان دلیل است که اپورتونیست ها با ترس و لرز و تردید به واقعیت نزدیک می شوند؟ میگویند نه این ها علل اصلی و تعیین کننده ای سخنان خوش آب و زنگ و در عین حال مهم آنها نیست به سادگی می توان از زیر این کلمات آن ها - بودی نفس گند پد و سیاست بازان شیاد و - حرفة ای را شنید. آنها می خواهند جنپر مسلحانه را تحت نفوذ و تسلط خود در آورند تا بتوانند در بند و بست های سیاسی خود و برای سازن بازهم از آن استفاده کنند. بقایای رهبران حزب توده در برنامه ای خود ذکر میکنند که :

"مبارزه برای نیل به حقوق و

آزادی های دموکرا تیک مطرح

در قانون اساس ایران "

(۱۳۶)

میخواهند طرفدار مبارزه‌ی مسلحانه باشند ؟
 جواب این سؤال روشن است؛ آنها میخواهند
 جنب مسلحانه را تحت فرمان خود درآورند
 تا به موقع آن را با "دموکراسی های بیشتر"
 معامله کنند و از آن به عنوان یک امتیاز برای
 سازسازی گروهها و عناصر طبقات حاکمه
 استفاده نمایند .

خیلی غالب است دون فطرت نا
 بخود آن به گاه بدون لذت منجر میشود .
 غریب کنید شوانتید و یک سازمان چنینکی را
 هم برای مدت کوتاهی نرفتید ، بعد چن ؟
 آقایان یک موئی را نمیدانند و آن اینکه —
 قوانین علمی حاکم بر جامعه نابغ اراده‌ی —
 اراد نیست ، بلکه متبع آن است .

جنب مسلحانه ای اخیر ایران مخلوق شرایط
 اجتماعی ما است و اراده‌ی "پیایان رهبران

(۱۲۸)

(۱۳۹)

حزب توده "نمیتواند آنرا تحت کنترل و تسلط
 خود درآورد . شکل مبارزه ناشی از شکل اعمال
 دیکتاتوری طبقه یا طبقات حاکم است، شکل —
 اعمال دیکتاتوری را نیز چنگونگ تفاصیل های —
 جامعه تعین میکند و نابغ اراده‌ی کس نیست
 آری ، آقایان اراده‌ی شما حتی پرکاهن
 را هم در این مورد نص تواند جا به جا کند
 چون مبتنی بر شناخت ضرورت نیست .
 اما چرا بقایای رهبران حزب توده مبارزه‌ی
 مسلحانه را صریحاً تائید نکرده‌اند و حرف
 قابل تعبیر و تفسیر متناسب زده‌اند ؟
 این دیگر یک تاکتیک است . آنها آهسته‌آهسته
 دارند جلو میایند تا نظر طرف خود را هم بفهمند
 و متناسب با آن زمینه سازی کنند .
 بدین جهت هرگز حرف نمیزنند که قابل پس‌گرفتن .
 و باتفسیر مکرر نباشد . نخست پیام برا بی

"رفیق مازیار و دوستانس" که نا من اخترا
است من فرستید و در واقع روی سخنشنان با
سازمان ما است .

سپس مقاله های گوناگون در تفسیر مقاله هی
ما در نبرد خلق شماره ۲ من نویسنده و
از راد پوییخوانند ، آنکه پیام را که در
اینجا مورد گفتگوی ما است و در پایان این
جزوه میاید میفرستند .

من بینیم که پیام بقایای رهبران حزب
توده به سازمان ما ، گذشته از اینکه نشان
د هنده ای ما هیئت آنها و مواضع ایدئولوژی
شان است ، جزئی از یک نقشه ای پنهان
نیز است ، برای ختنش کرد ن این نشنه
و افشا عناصر آنان بهتر است ما به -
جای بحث واستدلال بیشتر یک پیشنهاد
عملی با نهاد اراده هیم و سخن -

(۱۴۰)

خود را بپایان برسانیم .
آفایان بقایای رهبران حزب توده اگر با
ما اختلاف ایدئو لوژیک دارید ، بگذارید فعلا
به جای خود بمانند ، در درون جنبش ضد امپریا
لیست وجود چنین اختلافاتی طبیعی است .
قبل از آن که راجع به وحدت عمل خود حرف بزنیم :
آیا نامتبلیغ مسلحانه رادر شرایط کنونی ایران
قابل دارید ؟ اگر قبول دارید بطور روشن و صریح
اعلام کنید که برای کمک بآن چه اقداماتی حاضر
باشید ؟ و چه کمک از دستان بر میاید ؟ آیا
خودتان میخواهید دست به مبارزه ای مسلحانه
بزنید ؟ بسیار خوبه پس بباید و این کار را -
بکنید . ما هم از شما حمایت میکنیم و تجربیات
خودمان و حتی در حد توانانی خود امکاناتی
هم در اختیار شما خواهیم گذاشت ، بدون این
که قبلا " وحدت ایدئولوژیک " و " وحدت سازمانی "

(۱۴۱)

یافته باشیم . پس گروههای فدائی خود را به ایران بفرستید . تکلیف بقیه سازمان شما هم که فعلا در خارج می ماند ، بعدا در جریان عمل خودتان روشن شواهد شد و این چیزی است که منوط به مسائل سازمانی خودتان است . بهر حال ، ما منتظر جواب شما .

هستم و امیدوارم در پیام بعدیتان با صراحت و شجاعت انقلابی ، نه باریاکاری و مبهم گوئی شمار چرچیل پاین مسئله و اساسا این مسئله را - مطرح سازید .

ناابود باد اپورتونيسم در تمام -

جلوه های رنگارنگ .

ناابود باد ترس و تردید خرد " بورژواجی در زیر لوای ایمان بر هبری پرولتاریا پیروز باد مبارزه مسلحانه هسته و محور تمام اشکال مبارزات خلق ما .

" سازمان چریکهای فدائی خلق .

حزب ما برگرد مبود ند و بسیاری از آنان
 در رکراستین مارکسیسم - لینینیسم در تراویط
 دوران مادر از زیاد نیروهای واقعی مبارز
 علیه امپریالیسم و ارتقای، در باره دوستان
 و دشمنان جنبش انقلابی ایران در صحنه سیاست جهانی و در برگردان شیوه های
 مناسب مبارزه برای پیشرفت بسوی اولین هدف
 همگانی نیروهای ملی و مترقب، یعنی سرنگونی
 کرد نژم سیاه ارتقا گشوند چار سرد رگن
 جدی بود و در مواردی به کمراه افتاد مبود ند
 یک روند تجدید اندیشه در حال گشترش
 است. آثار این پدیده شادی انگیز حق
 در شماره دهم نشریه ای بنام "نبرد خلق" -
 ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق نشریات
 بطور روشن دید می شود. مادر باره جهات
 منفی و مثبت اندیشه های این نشریه که

پیام به چریکها ی فدائی خلق
 در این پیام روی سخن ما با آن گروه از
 مبارزین انقلابی ایران است که خود را مارکسیست
 لینینیست میدانند و بن غل و غش راه مبارزه ای
 پیگیر برای آزادی و رهائی میهن ما از جنگل نفرت
 انگیزیم جنایت بار شاهنشاهی و دستهای پلید
 امپریالیستهای غارتگر کام گذاشته اند.
 در "پیام حزب توده ای ایران به رفیق مازیار و
 دوستانس" مابخ. ریایه ای از آنچه را که میان ما -
 مورد تکنگو میتواند باشد یاد آور شدیم و بسیار -
 شادیم که زندگی چندماه اخیر آنچه را که مادر -
 آن پیام گفتم با روشنی باز هم بیشتر نمائید نمود -
 در فاصله زمانی میان آن پیام و این پیام خبر -
 های تازه ای زیادی بنا رسیده است که گویای -
 این واقعیت است که در درون آن گروهها ی
 مبارز مارکسیست - لینینیست ایران که راه جزراه

کرده اید موافق نیستم و بعضی از ارزیابین
 هائی را که شما در باره نیروهای داخلی طر
 فدار آزادی و استقلال و پیشرفت داشته اید
 و شاید هنوز هم دارید ، درست نمیدانم ویر
 آنیم که شناخت شما در باره دوستان و هوا
 داران واقعی جنبش نجات بخش ملی ایران در
 صحنه‌ی سیاست بین‌المللی ، طی یک دوران
 طولانی نادرست بود و هنوز هم کاملاً درست
 نیست . این ارزیابی عمومی ما هنوز هم به نیروی
 خود باقی است ، منتها با این یاد آوری که
 روند تجدید اندیشه در بین افراد وابسته‌ها
 دارچریکهای فدائی خلق در دو سال اخیر
 و بخصوص در چند ماه اخیر بیک نسبت پیش
 نرفته است . از آنجه بما رسیده است میتوان
 اینطور نتیجه گرفت که عددی قابل توجهی از
 این دوستان بطور بنیادی در ارزیابی نادرست

(۴)

پدیده‌ی مأکوبیای اندیشه‌های آن رفاقت‌ازجریک
 های فدائی خلق است که کمتر از دیگران در راه
 تجدید اندیشه پیشرفت‌های دوگثارهای
 "پیک ایران" و نوشهای "مجله دنیا"
 گفتگو کرد یم . در این پیام ما میکوشیم که یکبار
 دیگر بطور فشرده نظر خود را در باره‌ی آمان
 کیمی سیاست و راه و روش شما بیان کنیم و از شما
 بخواهیم که با روشنی نسبت با این نظریات پاسخ
 دهید .

در "پیام به رفیق مازیار و دوستان" ما
 نظر خود را نسبت به مبارزه‌ای که گروههای وابسته
 به چریکهای فدائی خلق انجام داده و میدهند با
 روشنی یاد آورشدم یم . یکبار دیگر آنرا تکرار
 میکیم که ما صادقانه به مبارزه شما بدیدهی —
 تحسین مبنی‌کریم ، در عین اینکه با برخی از شیوه
 هاییکه شما برای رسیدن با این هدفها انتخاب

(۳)

ارزیابی های نادرست خود هنوز از چهارچوب
 مقاله "اند یشه مائوتسه دون و انقلاب ما" -
 مندرجه در شماره دم جزوی نبرد خلق
 پا را فراتر ننماد ماند . ما با اطمینان میتوانیم
 امیدوار باشیم که بسیاری از این رفقا از تاریخ
 انتشار این مقاله ، "فروزین ۱۳۵۳" تا کون
 در نتیجه روپرورد شدن باز هم بیشتر با رویداد
 های ماهیاتی گذشته در زنگ سیاست جهان
 در راه تجدید نظر در ارزیابی های نادرست
 خود گامهای جدی تری به پیش برداشته اند
 ولی با وجود این امید ما ضروری میدانیم که
 در باره آن نظریات یکبار دیگر با شما گفتگو -
 کیم .

شما رفقا در مقاله نامبرده از یکسو به
 روشی حساب خود را با مائوئیستهای ایرانی
 در اروپا جدا من نمایید و روش سیاسی آنها

(۶)

خود تجدید نظر کرد و باندازی زیادی به
 ارزیابیها و راه و روش که حزب ما برای مبارزه
 در شرایط کون ایران پیشنهاد میکند نزدیک
 شد ماده . ما باین رفقا از ته دل شاد باشیم
 گوئیم و امیدواریم که هرچه زودتر بتوانیم این
 نزدیک اندیشه و ارزیابی و راه و روش را خست
 به یکانگی فکری برسانیم و سپس این یکانگی را با
 یکانگی سازمانی تکمیل کنیم . راههای عملی این
 کار را که آماج اصلی زندگی کردن همه جانبی
 سازمان حزب واحد طبقی کارگردان سراسر ایران
 است در "پیام به همراهان حزب" و نکاتی
 چند در باره وظایف عملی مبارزان انقلابی
 در ایران "باروشنی بیان داشته ایم" اما در
 در کار این مبارزان ، افراد و گروههای دیگری
 از واپستان و هواداران راه چریکهای فدائی خلق
 هستند که در راه تجدید نظر در اندیشه ها

(۵)

چون یک مارکسیت - لینینیست کبیر من شناسم
اند یشهی او بیان خلاق مارکسیسم - لینینیسم
عصر ما است .

د وستان عزیز ! ما چنین من اند یشهی
که بین ما نمیتواند در این باره ، دوگانگی در
از زیاد وجود داشته باشد که بهترین بیان
کند من اند یشهی مائوتسه د ون ، خود مائو
تسه د ون است و در این هم نمیتوانیم اختلافی
داشته باشیم که سیاست خارجی جمهوری خلق
چین زیر راهنمایی مستقیم و بی کیفر مائو
تسه د ون قرار دارد و چیزی جز "انطباق
خلاق" اند یشهی مائو تسد د ون در میدان سیاست
جهانی نیست . در این هم مسلماً بین مایکانگی
دید وجود دارد که بر پایه‌ی گفتار لینین کبیر
یگانه سنگ محک برای شناسائی درستی و نا
درستی ادعای گروههای سیاسی و افرا د

(۸)

را که طبق گفتم شما پیروی از تبلیغات رادیو
پکن است طرد میکنید و آنها را در خارج نهضت
کمونیستی جهانی قرار میدهید . ولی از سوی
دیگر خود آن سیاست را که این ها از آن -
پیروی میکنند "مارکسیسم - لینینیسم خلاق در
مبارزه با رویزیونیزم جدید " میدانید و از این
دیدگاه ما را متهم میکنید که "رویزیونیست
ها که فقط ادعای مارکسیست - لینینیست بودن
را دارند ، اند یشههای رفیق مائوتسه د ون را
انحراف از مارکسیزم لینینیزم میدانند و هزاران
تهمت رنگارنگ بیان میزنند ، اینان بعیل خود
اصطلاح مائوئیسم را ساخته اند و آن را در
مقابل ماسکسیزم - لینینیزم قرار داده اند ، در حالیکه
اند یشههای مائوتسد د ون چیزی جز مارکسیزم
لینینیزم خلاق در مبارزه با رویزیونیزم جدید
نیست . کوتاه سخن اینکه مائوتسه د ون را هم

(۷)

سوسیالیستی آلمان دموکراتیک، حمایت از حکومت
 محافظه کاران انگلیس‌علیه حزب کارگر، —
 حمایت از کودتای نمیری در سودان و تبریک باو
 در کشتار مبارزان کمونیست، پشتیبانی از رژیم
 کودتای فاشیست شیلی، حمایت از بیمان تجارت
 کار نظامی امپریالیستی ناتو علیه کشورهای سوسیا
 لیستی پشتیبانی از رژیم شاه ایران و پطور صریح
 از سیاست نظامیگری رژیم ارتعاعی او که مستقیماً
 علیه مبارزه‌ی آزاد بیخشن خلقهای ایران و خلقهای
 عرب مجاور ایران است، اعلام رسمی دست کشیدن
 از حمایت جنبش‌های آزاد بیخشن در کشورهای جنوب
 غرب آسیا مانند ونزوئلا، تایلند، مالزی که اکثر ۱ —
 زیر چکه کارگزاران امپریالیستی جان می‌کنند،
 خصومت هر روز شدیدتر نسبت بزرگرین تکیه گاه
 نیروهای خد امپریالیستی در جهان یعنی —
 خانواده‌ی کشورهای سوسیالیستی و بزرگرین

(۱۰)

کرد از آنها است نه گذارشان. اگونه پرداز
 به احکام شما: بادنبال کرد منطق احکام
 شما به نتایج زیر میرسم:
 شما عقیده دارید که اندیشه‌ی مائوتسم دون
 بیان خلاق مارکسیسم لدنینیسم عصر ما است
 "واز آنجاکه سیاست خارجی دولت جمهوری
 خلق چین که زیرا هنماش مستقیم خود مائوتسه
 دون قرارداد در واقع بیان خلاق اندیشه
 مائوتسم دون در زمینه‌ی سیاست جهان است"
 پس باید مطابق نظر شما باین نتیجه رسید که حتی
 از رژیم سیاه نظامی یعنی خان در پاکستان و دشمن
 پیکر با آزادی خلق هفتاد و پنج میلیون بنکлад شن
 از بوغ استعمار مشترک انگلیس و پاکستان غرب
 حمایت از سیاست تجاوز کارانه‌ی نظامی امپریالیزم
 امریکا، پشتیبانی از سیاست فاشیست‌های آلمان
 غرب از کسانی اشتراوس در جهت نابود کرد من کثیر

(۱۱)

پایکامان یعنی اتحاد جما هیرشوروی که تما
 نیروهای در حال نبرد علیه امپرالیسم پشتیبانی
 بیدریخواستاین میکند، همه اینها وظایر
 آن که بدون تردید چون زیر راهنمای مسنجم
 و بیکر مائوتسه دون است نمیتواند جیزی جز بینا
 خلاق اند یشه مائوتسه دون در زمینه سیاست
 خارجی باشد، بانتیجه گیری از احکام شما
 "بیان خلاق مارکسینم - لینینیم عصر ما است".
 دوستان گرامی؛ یک لحظه به تاریخ تحول
 فکر و عمل تروتسک توجه نمائید.
 تروتسک در دوران انقلاب اکبر به حزب بلشویک
 لینین پیوست و در آن دوران مقام شامخ عضویت
 د بیرونی سیاست وزارت جنگ انقلاب رسید.
 ولی در همین دوران که او بطور عمد دارد و
 گاه مارکسیست - لینینیست ها بود عناصر انحرافی
 در اندیشه ای او بطور نیرومندی وجود داشت -

بطوریکه اورا در کارپر تگاهه منجلاب اپورتونیسم
 نگمیبد است. همین عناصر انحرافی از مارکسیزم
 لینینیم است که اورا در اولین برخورد با -
 د شوارهای در سراشیب ارتاد غلطاند و سرانجام
 به لجن زار خیانت به مارکسیسم - لینینیسم و
 سوسیالیسم کشانید. آنچه امروزه مارکسیست -
 لینینیستها بعنوان تروتسکیسم مینامند مجموعه
 عناصر انحراف اندیشه ها و شیوه های عمل -
 ارتقای و خیانت آمیزیه مارکسیسم لینینیسم و -
 سوسیالیسم است، نه انجکه تروتسک در بخش های
 گوناگون زندگی شد ر هما هنگ با مارکسیسم - لینینیسم
 نوشته و گفته است. کائوتسک هم هنگامیکه -
 مارکسیست بود بسیاری از اندیشه های مارکس
 را به درست بیان میکرد و تکرار مینمود بولی آنچه
 لینین در باره ارتداد کائوتسک بیان میکند شامل
 عناصر انحرافی او از مارکسیسم است .

اجتماعی کشورمان یعنی آنچه خائنین خود فروخته
 هائی نظیر نیکخواه و لاشائی در ایران و -
 واژه‌گان مانند دارودسته روزنامه طوفان
 و ستاره سخ در اروپا با عمل میکنند یعنی
 هم آواز با رژیم سیاست‌ها و جلادان آدم کش
 ساواک و خصوصیتی بند و بار با حزب توده‌ی
 ایران و جنبش کمونیستی جهانی و در درجه‌ی
 اول با حزب کمونیست ف دلت اتحاد جماهیر
 شوروی، این واژه‌گان تا آنجا در منحلاً ب
 خیانت به جنبش انقلابی غلطیده‌اند که گویند گا
 نشان باشی بروایی بی نظیری که از خصوصیات
 همه مرتدان است در جلسه عمومی کنفراسیون
 اعتراض بپرخانه‌ی کنفراسیون را در مرور د
 قتل زنیق شهید حکمت‌جو، بوسیله‌ی جلادان
 ساواک شدیداً مورد حمله قرارداده و
 صریحاً اظهار داشته که از قتل حکمت جو

(۱۴)

چنین است اصطلاح "مائوئیسم" . اکتروابتگان
 گروه مائودوران کم و بیش در موضع مارکسیسم -
 لینینیسم قرار داشته‌اند ، هما نظرور که حزب -
 کمونیست چین در در و راه‌های طولانی با افتخار
 در ارد و گاه انتزناسیونالیست قرار داشته است
 مائوئیسم شامل آن عناصر انحرافی از سیستم نکری
 مائوئیسم دون و گروه طرفداران او است که عمل
 مائوئیسم دون و گروه اورا گام به گام از راه درست
 مارکسیست - لینینیست دور کرد و به منحلاً
 سازش با سیاه ترین نیروهای ارتজاعی جهان
 و خصوصیت آشکار با جبهه‌ی جهانی کمونیسم و
 نیروهای ضد امپریالیست کشانده است .
 مائوئیسم در ضمیمه سیاست جهانی ، یعنی
 عملکرد کمونی دولت جمهوری خلق چین که مائو
 یستهای اروپائی از آن مبعوث تبعیت میکنند
 انطباق خلاق مائوئیسم در زمینه‌ی مبارزات

(۱۳)

روزنامه طوفان "ارگان ما مئوئیستها" ۰
 بیکر ایران در اروپا در شماره ۸۲ خود
 چنین مینویسد: "روزیونیتها اکنون بیک
 باز قیافه انتقام بخود گرفته اند و حملات
 مستقیم علیه شاه و دولت اویی پردازند و یکار
 کران ندا در مید هند که تا زیم شاه باقی است
 آنها روی آزادی و رفاه نخواهند دید ۰ برای
 روزیونیتها باردیگر فرصتمناسی پیش آمد ۰ تا
 باز هم افکار عمومن را به نفع خویش فرب دهد
 و شاید آبرفتہ را به جوی باز گردانند ۰ آنها
 اکنون چه و راست خود را حزب طبقه‌ی کارگر
 میخوانند و از رهبری این طبقه در انقلاب سخن
 میگویند و عجب اینکه شاه و تبلیقات رسمی کشور
 نیز با دادن عنوان کوئیست بانها به فریبکاری
 آنان پاری می‌سازند ۰ براست این نوشته‌دانستا
 بدون شوخی است و تنها نشان میدهد که دار

(۱۶)

و شیوه‌ی و دیگر وا استگان به حزب توده ایران
 آنها همانقدر شادند که پطور مثال هلمز ۰
 رئیس‌سازمان جاسوس آمریکا، سیا در تهران
 به قتل میرسید ۰ این است مفهوم مائوئیسم
 و اینها هستند مائوئیستهای بیکر ۰
 شما که بدون احساس مسئولیت هر کسرا که
 این شیوه‌های ضد مارکسیست و ضد کمونیست
 گروه مائو و طرزداران اسرا مورد انتقاد قرار
 میدهد روزیونیزم مینامید ایا هیچ اندیشه‌ای
 که چرا شاه و دستیاران مانند روزنامه اطلاعات
 تا این اندازه نسبت باصطلاح شما "مارکسیم
 لئینیسم خلاق عصر ما" با گرس و خوشروی روبرو
 میشوند و آنرا می‌ستانند و با نیروهای که ۰
 باصطلاح شما روزیونیست هستند تا این اندازه
 کینه من وزیر ؟

(۱۵)

ودسته مائوچیستهایعن آنها ظیکه به قول
شما گوششان به رادیوی پکن و چشمشان به
روزنامه های چین است و هر چه آنها گفتند
اینها به زبان مادری خود ترجمه شمیکنند
و در باره آن جاروجنجحال براه میاند ازند "تا
جه اندازه به دنبال مرتدان پکن در لجنزار
سازش با امپرالیسم و رژیم جنایتکار شاپوروفغاناند .
د وین بخش گفتگوی ما با شما دوستا ن در باره
شیوه های مبارزه است ما در این باره در
مقاله ای مشخصی "در مجله دنیا" نظر مشرح
خود را در باره ای احکامیکه شما در مقا له ای
"اندیشه مائوتسه دون و انقلاب ما" نوشته اید
داد عالم . بان این را اضافه میکنیم که ما سـ
نظر شما را در این زمینه که بقا ای سازمانهای
انقلابی در شرایط اختناق سیاه تنها از راه
نظمی کردن آنها میسر است بیان و تصریح سکنار

و برای رشد جنبش انقلابی زیان بخوبید اینم —
در این حکم که اگر سازمان انقلابی نظامی نشود ،
بالاخره در مرحله ای ارزش خود به وسیله پلیس
نا بود میشود جزیره هاد ادن به نیروی پلیس و کم بها
دادن با مکانات دبیروهای انقلابی در مبارزه پیش
بیزی نیست تجارب همین دوران اخیر جنبش —
انقلابی بین المللی به بهترین وجهی باد رست . —
این حکم را روشن کرد نومنویسان ، تجزیه جنبش —
انقلابی بر تقال را تکمیل کرد . هم در بر تقال و هم
در بینان دوران طولانی اختناق پلیسی بسیار
شدیدی حکم فرما بود و احزاب کمونیست و سایر
نیرو های انقلابی این کشورها هیچکدام —
نظامی نشدند ولی توانستند با تمام وحشیگری
های پلیس ناشیسته موجود یت خود را حفظ
کنند در تنه معین بعنوان یک وزنه ای سنگین . —

در کله مبارزات علنی جامعه خویش جایگزیند
 علاوه بر جهات دیگر نا درست تر شما در
 باره‌ی ضرورت مطلق نظامی کردن سازمان
 انقلابی، این حکم قشرها ی وسیعی از مبارزات
 انقلابی را که آمادگی کامل دارند که در مبارزات
 علنی و مخفی علیه رژیم شرکت موثر و فعال داشته
 باشند از صنوف سازمانهای انقلابی به کارنگه
 میدارد و در نتیجه خصلت شدیداً سکانست
 پیدا میکند. شما در مقاله خود مبنی‌بودید:
 «بن ریزگ شرایط امروز جامعه ایمی سیاری
 از جوامع دیگر است که درینا، اصول پنهانکار
 نمیتوان سازمان و گروه را حفظ کرد و رشد داد
 این نظرشما درست برخلاف لئینیسم پعش
 نظر صریح لئین است. لئین در این زمینه با
 روشنی و بدون هیچ ابهامی بما می‌اموزد که
 در شرایط اختناق سیاسی حفظ سازمان مخفی

انقلابی تنها و تنها بر پایه‌ی رعایت همه‌جانبه
 اصول پنهانکاری میسر است. تجربه‌ی جنبش
 انقلابی میهن ما هم درست همین را ثابت میکند
 بد ون استنسنا تعلم گروههای انقلابی که به چنگال
 دزخیمان ساواک و پلیس افتادند، تنها و تنها
 در اثر سهل انگار در برگردان افراد جدید
 بن مبالغی در حفظ اسناد و اطلاعات سازمان
 مخفی، گشاد بازی در فعالیت مخفی، بن
 توجهی بامکان ضعیف و خیانت و یا تظاهر و
 خود نمائی برخی و استگان به سازمان انقلابی
 بوده است. همه‌ی اینها در صورت نظارت
 شدن یک گروه انقلابی هم میتوانند به همان
 نتایج درد ناک منتهی کردنند با این تفاوت
 که در اینصورت تنها به دشمن این پهانه داده
 میشود که به مراتب سبعانه تر علیه مبارزان پیش
 رود ما باز هم تکرار میکنم که پادشاهی ماد رزمنده

تنها مارکسیسم - لینینیسم باین معنای لینین
 است که واقعا خلاق است یعنی قادر است
 مشخصات دوران ما و ضروریات مبارزه در این
 دوران را به بهترین نحوی منعکس نماید .
 اشتباه بزرگ است که ما یک جریان خرد برور
 واش و انحرافی مائوئیسم را مارکسیسم - لینینیسم
 خلاق تلقی کنیم و در دام آن بیفتم و بر پایی عیش
 چنین یکانگی درک از جهان بین مارکسیست
 - لینینیست معنای خلاق و لینین آن ،
 روشن است که کوشش‌های ما در راه زندگی
 کردن سازمانهای حزب طبقه ای کارگر در ایران
 با کامیابی بیشتر روپرتو خواهد گردید .
 بر همین پایه است که به گفتگوی خلاق و زندگی
 میان شما و خودمان روی مسائل مشخص و
 بد و پردازش پوشی ارزش بسیار مینهیم -
 و از شما خواستارم که برای بربا - نشان

(۲۲)

معنی زمینه نشان دادن نادرست حکم شما یا من نیست
 که کویا ما استفاده از شیوه های گونا گون قهر
 آمیز مبارزه را در همه ای شرائط نادرست من
 دانیم . ما استفاده از هرشیوهای مبارزه را که
 به روشنگری اجتماعی و آمادگی نیروهای عظیم
 زحمتکشان سایر قشر های ملی برای نبرد کمک
 کند و در جریان نبرد بتواند دشمن را ضعیف
 سازد و امکان تظاهر عدم رضایت توده های -
 وسیع را بوجود آورد درست میدانیم اگر ما
 کوشا باشیم اند پشه های خود را هرچه بیشتر
 بربایه های مارکسیسم - لینینیسم معنای لینین
 کلمه تکرار کنم : مارکسیسم - لینینیسم معنای
 لینین و نه مارکسیسم - لینینیسم من در آورده
 مائوئیستها با تروتسکیستها و اندیع و اقسام
 اپشتها " دهگر مرندان و وازدگان " استوار
 سازیم . هریوز بیشتر به هم نزد یک خواهیم شد

۱۶۱

پک چنین گفتگوی همه جانبه ای به ما پاری
کید . ما به نوبه خود از آنچه از دستمان
برآید در این راه کوتاهی نخواهیم کرد .